فصلنامه علمی اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، مقاله پژوهشی
سال بیستم، شماره اول (پیاپی ۴۷)، ویژه‌نامه تجارب مدیریتی شهرداری تهران، بهار ۱۴۰۵، صص. ۷۳-۱۱۲

# حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری برای خلق ارزش عمومی: توسعه مدل مفهومی و تبیین نقش مدیریت شهری دوره ششم

**نسترن افشم** *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد نویسنده(گان) بوده است.

## چکیده

پیچیدگی فزاینده مسائل اجتماعی در شهرهای معاصر و ناکارآمدی رویکردهای سنتی مدیریت شهری، ضرورت بازاندیشی در الگوهای حکمرانی و حرکت به‌سوی سازوکارهای شبکه‌ای و مشارکتی را برجسته کرده است. در این میان، زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری به‌عنوان چارچوبی نوظهور، امکان هم‌افزایی میان ظرفیت‌های نهادی، اجتماعی و کارآفرینانه را برای حل مسائل عمومی و خلق ارزش اجتماعی فراهم می‌سازد. با وجود گسترش ادبیات زیست‌بوم‌های کارآفرینی، بخش قابل‌توجهی از مطالعات بر رشد اقتصادی و عملکرد کسب‌وکارها متمرکز بوده و ابعاد حکمرانی و خلق ارزش عمومی در بستر شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف توسعه مدلی مفهومی برای حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری و تبیین نقش مدیریت شهری، به‌ویژه در چارچوب رویکردهای مدیریت شهری دوره ششم شوراهای اسلامی شهر، در شکل‌دهی و هدایت این زیست‌بوم انجام شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون اسناد علمی مرتبط با سه حوزه زیست‌بوم کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی و حکمرانی شهری انجام شده و داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون براون و کلارک تحلیل و سازماندهی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری از شش مؤلفه کلیدی شامل حکمرانی تسهیلگر شهری، شبکه بازیگران، قابلیت‌های توانمندساز، سرمایه اجتماعی، زیرساخت‌های پشتیبان و پیامدهای خلق ارزش عمومی تشکیل شده است. در این میان، حکمرانی تسهیلگر شهری با تأکید بر رویکردهای مشارکتی و محله‌محور، نقش محرک نهادی را ایفا کرده و زمینه شکل‌گیری تعاملات شبکه‌ای و فعال‌سازی ظرفیت‌های زیست‌بوم را فراهم می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مدیریت شهری در این چارچوب صرفاً نقش اجرایی ندارد، بلکه به‌عنوان معمار نهادی زیست‌بوم، از طریق تنظیم قواعد تعامل، تقویت مشارکت ذی‌نفعان و تسهیل جریان منابع، زمینه خلق ارزش عمومی را فراهم می‌سازد. این پژوهش با توسعه مفهوم زیست‌بوم کارآفرینی از منطق رشد اقتصادی به منطق حکمرانی ارزش عمومی، چارچوبی یکپارچه برای پیوند میان کارآفرینی اجتماعی، زیست‌بوم‌های کارآفرینی و حکمرانی شهری ارائه می‌دهد.

## واژگان کلیدی

زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی؛ حکمرانی زیست‌بوم؛ حکمرانی شهری؛ نوآوری اجتماعی؛ مدیریت شهری؛ خلق ارزش عمومی.

---

* استادیار گروه کارآفرینی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
nastaraean.afsham@modares.ac.ir

**مقدمه**

شهرهای معاصر با مجموعه‌ای از مسائل پیچیده اجتماعی، اقتصادی و محیطی مواجه هستند که حل آنها صرفاً از طریق سازوکارهای سنتی برنامه‌ریزی و ارائه خدمات عمومی امکان‌پذیر نیست. افزایش نابرابری اجتماعی، تغییر الگوهای اشتغال، مسائل مرتبط با کیفیت زندگی و ضرورت افزایش مشارکت شهروندان، مدیریت شهری را با نیاز به طراحی سازوکارهای جدید برای بسیج ظرفیت‌های اجتماعی مواجه کرده است. در چنین شرایطی، رویکردهای نوین مدیریت عمومی بر اهمیت همکاری میان دولت، جامعه مدنی، بخش خصوصی و شهروندان برای تولید ارزش عمومی تأکید می‌کنند (Ansell & Gash, 2008, P. 543; Emerson, Nabatchi & Balogh, 2012, P. 1). یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، مفهوم زیست‌بوم کارآفرینی است. برخلاف نگاه سنتی که کارآفرینی را عمدتاً نتیجه ویژگی‌های فردی کارآفرین می‌دانست، رویکرد زیست‌بومی بر نقش تعامل میان نهادها، منابع، شبکه‌ها و زمینه‌های محیطی تأکید دارد (Autio et al., 2014, P. 1097; Stam, 2015, P. 1759). با این حال، بخش مهمی از ادبیات موجود در این حوزه، زیست‌بوم‌های کارآفرینی را در چارچوب رشد اقتصادی، توسعه شرکت‌های نوپا و مزیت رقابتی منطقه‌ای بررسی کرده است (Isenberg, 2011; Stam & van de Ven, 2021, P. 809). این تمرکز اقتصادی اگرچه در تبیین توسعه کارآفرینی منطقه‌ای مؤثر بوده است، اما برای توضیح زیست‌بوم‌هایی که هدف آنها حل مسائل اجتماعی و خلق ارزش عمومی است، نیازمند گسترش مفهومی است (Adner, 2021; Jacobides et al., 2018, P. 2255).

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که پویایی زیست‌بوم‌های کارآفرینی به جای وابستگی صرف به عناصر منفرد، به کیفیت روابط، سازوکارهای هماهنگی و ظرفیت یادگیری میان بازیگران وابسته است (Autio & Thomas, 2020, P. 105; Wurth, Stam & Spigel, 2022, P. 729). در مقابل، کارآفرینی اجتماعی بر ایجاد ارزش اجتماعی و پاسخ نوآورانه به مسائل جامعه تمرکز دارد. این حوزه نشان می‌دهد که فعالیت کارآفرینانه می‌تواند فراتر از اهداف اقتصادی، به ایجاد تغییر اجتماعی و حل مسائل عمومی منجر شود (Mair & Martí, 2006, P. 36; Peredo & McLean, 2006, P. 56). با وجود این، مطالعات

کارآفرینی اجتماعی غالباً بر ویژگی‌های فردی کارآفرین اجتماعی یا سازمان‌های اجتماعی تمرکز داشته و کمتر به ساختار زیست‌بومی و نقش نهادهای شهری در شکل‌گیری آن پرداخته‌اند. از سوی دیگر، ادبیات حکمرانی شهری بر ضرورت ایجاد شبکه‌های همکاری، مشارکت ذی‌نفعان و شکل‌دهی ظرفیت اقدام جمعی تأکید دارد (Ansell & Gash, 2008, P. 545). مطالعات داخلی نیز نشان می‌دهند که توسعه کارآفرینی اجتماعی در بستر ایران، نیازمند توجه به نقش تسهیلگری، شبکه‌سازی و ایجاد سازوکارهای تعامل میان بازیگران اجتماعی است. با این حال، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های داخلی بیشتر بر فرآیندهای مشارکتی یا نقش تسهیلگران تمرکز داشته‌اند و کمتر به طراحی یک چارچوب جامع برای حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی در مقیاس شهری پرداخته‌اند (آزادفر و گیلکی‌نظامی، ۱۴۰۴، ص. ۷).

با این حال، این جریان پژوهشی نیز کمتر به این پرسش پرداخته است که مدیریت شهری چگونه می‌تواند شرایط شکل‌گیری یک زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی را فراهم کند. بنابراین، شکاف اصلی پژوهش حاضر در نقطه اتصال سه حوزه نظری شکل می‌گیرد: نخست، مطالعات زیست‌بوم کارآفرینی عمدتاً بر رشد اقتصادی تمرکز داشته‌اند و کمتر به خلق ارزش اجتماعی شهری پرداخته‌اند. دوم، مطالعات کارآفرینی اجتماعی بیشتر بر کنشگر یا سازمان اجتماعی متمرکز بوده‌اند و ابعاد نهادی و شبکه‌ای آن کمتر توسعه یافته است. سوم، مطالعات حکمرانی شهری بر هماهنگی بازیگران تأکید کرده‌اند، اما چارچوب مشخصی برای نقش مدیریت شهری در معماری زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی ارائه نکرده‌اند.

همچنین، اگرچه مطالعات پیشین مفهوم زیست‌بوم کارآفرینی را برای توضیح تعامل میان بازیگران، منابع و نهادهای پشتیبان توسعه داده‌اند، اما بخش قابل توجهی از این ادبیات همچنان بر پیامدهای اقتصادی، رشد کسب‌وکار و توسعه منطقه‌ای تمرکز دارد. در مقابل، پژوهش حاضر استدلال می‌کند که در محیط‌های شهری، زیست‌بوم کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان یک سازوکار حکمرانی برای سازماندهی ظرفیت‌های اجتماعی و خلق ارزش عمومی عمل کند. نوآوری اصلی پژوهش حاضر در معرفی مفهوم حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری است؛ چارچوبی که در آن مدیریت شهری نه صرفاً

به‌عنوان یکی از عناصر محیطی، بلکه به‌عنوان معمار نهادی زیست‌بوم برای فعال‌سازی شبکه بازیگران، جریان دانش و تولید ارزش اجتماعی تعریف می‌شود. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است:

مدیریت شهری چگونه می‌تواند با ایجاد سازوکارهای نهادی و شبکه‌ای، زمینه شکل‌گیری و پایداری زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری را فراهم کند؟

## ۱. مبانی نظری پژوهش

### ۱-۱. از زیست‌بوم کارآفرینی تا زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری

مفهوم زیست‌بوم کارآفرینی در سال‌های اخیر به عنوان یکی از رویکردهای مهم برای تبیین چگونگی شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه مطرح شده است. این رویکرد برخلاف دیدگاه‌های سنتی که موفقیت کارآفرینی را عمدتاً به ویژگی‌های فردی کارآفرین یا قابلیت‌های داخلی سازمان نسبت می‌دادند، بر نقش محیط، نهادها، شبکه‌ها و تعاملات میان بازیگران مختلف تأکید دارد (Autio et al., 2014, P. 1097; Stam, 2015, P. 1759). در این دیدگاه، کارآفرینی یک فرآیند منفرد و خطی نیست، بلکه نتیجه تعامل میان مجموعه‌ای از عناصر به‌هم‌پیوسته شامل سیاست‌ها، نهادهای حمایتی، سرمایه انسانی، منابع مالی، شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ کارآفرینانه است. بنابراین، عملکرد یک کارآفرین یا یک کسب‌وکار تنها به توانمندی‌های داخلی آن وابسته نیست، بلکه به کیفیت روابطی که در آن زیست‌بوم شکل می‌گیرد نیز وابسته است (Spigel, 2017, P. 49).

با وجود اهمیت این رویکرد، بخش قابل توجهی از ادبیات زیست‌بوم‌های کارآفرینی بر رشد اقتصادی، ایجاد کسب‌وکار و توسعه منطقه‌ای تمرکز داشته است. این در حالی است که بسیاری از مسائل پیچیده جوامع شهری، ماهیتی فراتر از منطق اقتصادی دارند و نیازمند راه‌حل‌هایی هستند که همزمان ارزش اقتصادی، اجتماعی و عمومی ایجاد کنند. در این نقطه، پیوند میان زیست‌بوم کارآفرینی و کارآفرینی اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند. زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، مفهومی است که عناصر زیست‌بوم کارآفرینی را با هدف خلق ارزش اجتماعی و حل مسائل عمومی ترکیب می‌کند. در چنین چارچوبی، هدف نهایی صرفاً رشد یک کسب‌وکار نیست، بلکه ایجاد ظرفیت جمعی برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی شهر است. در ادبیات داخلی نیز تأکید شده است که زیست‌بوم

کارآفرینی اجتماعی صرفاً حاصل حضور سازمان‌ها و افراد فعال نیست، بلکه نیازمند فرآیندهایی همچون یادگیری جمعی، تسهیل تعاملات و شکل‌گیری روابط میان بازیگران است (آزادفر و گیلکی‌نظامی، ۱۴۰۴، ص. ۱۲). این نگاه با رویکردهای جدید زیست‌بوم کارآفرینی که بر ماهیت رابطه‌ای و شبکه‌ای اکوسیستم‌ها تأکید دارند، هم‌راستا است (Spigel, 2017, P. 49). در رویکردهای جدیدتر، زیست‌بوم‌های شهری به‌عنوان سیستم‌های پیچیده‌ای در نظر گرفته می‌شوند که در آنها تعامل میان بازیگران دولتی، خصوصی و اجتماعی، ظرفیت تولید نوآوری و حل مسائل عمومی را ایجاد می‌کند. از این منظر، شهر نه فقط محل استقرار کسب‌وکارها، بلکه بستری برای شکل‌گیری شبکه‌های یادگیری، همکاری و خلق ارزش مشترک است (Dodgson & Gann, 2011; Freire-Gibb & Gregson, 2019).

### ۲ـ۱. کارآفرینی اجتماعی و منطق خلق ارزش اجتماعی

کارآفرینی اجتماعی به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در مرز میان کارآفرینی، نوآوری اجتماعی و توسعه پایدار شکل گرفته است. برخلاف کارآفرینی سنتی که موفقیت آن عمدتاً با شاخص‌های اقتصادی سنجیده می‌شود، کارآفرینی اجتماعی بر توانایی شناسایی مسائل اجتماعی و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای ایجاد تغییر مثبت تأکید دارد (Mair & Martí, 2006, P. 36). رویکردهای جدید کارآفرینی اجتماعی نیز بر این نکته تأکید دارند که ایجاد تغییر اجتماعی پایدار نیازمند فراتر رفتن از سطح فرد کارآفرین و توجه به شبکه‌ها، نهادها و شرایط اکوسیستمی است (Roundy & Fayard, 2021; Saebi, Foss & Linder, 2019, P. 70). پردو و مک لین[1] (۲۰۰۶) کارآفرینی اجتماعی را فرآیندی می‌دانند که در آن افراد یا سازمان‌ها با استفاده از فرصت‌های موجود، منابع را برای ایجاد ارزش اجتماعی بسیج می‌کنند. در این نگاه، ویژگی اصلی کارآفرینی اجتماعی، ترکیب منطق کارآفرینانه با اهداف اجتماعی است. با این حال، مطالعات اولیه این حوزه بیشتر بر ویژگی‌های فردی کارآفرین اجتماعی، انگیزه‌ها و قابلیت‌های او تمرکز داشتند. این رویکرد اگرچه در شناخت کنشگران اجتماعی مؤثر بوده است، اما توضیح نمی‌دهد که چگونه محیط نهادی و شبکه‌های شهری می‌توانند زمینه ظهور و استمرار فعالیت‌های اجتماعی نوآورانه را فراهم کنند. از این منظر، انتقال تحلیل از سطح فردی به سطح

زیست‌بومی ضروری است؛ زیرا حل مسائل پیچیده شهری معمولاً نیازمند همکاری میان مجموعه‌ای از بازیگران شامل مدیریت شهری، دانشگاه، سازمان‌های مردم‌نهاد، بخش خصوصی و شهروندان است.

**۳-۱. حکمرانی شهری و نقش مدیریت شهری در معماری زیست‌بوم**

تحولات مدیریت شهری در دهه‌های اخیر نشان داده است که مدل‌های سنتی مبتنی بر کنترل مستقیم دولت محلی، برای مواجهه با مسائل پیچیده شهری کافی نیستند. در مقابل، رویکرد حکمرانی شهری بر همکاری، شبکه‌سازی و تولید مشترک ارزش عمومی تأکید دارد (Ansell & Gash, 2008, P. 543). در سال‌های اخیر، حکمرانی شهری از مدل‌های سلسله‌مراتبی به سمت مدل‌های شبکه‌ای و مشارکتی حرکت کرده است؛ جایی که نقش دولت محلی بیشتر بر هماهنگی، تسهیلگری و ایجاد ظرفیت جمعی متمرکز می‌شود (Ansell & Torfing, 2021; Sørensen & Torfing, 2021). در چارچوب حکمرانی مشارکتی، مدیریت شهری دیگر تنها ارائه‌دهنده خدمات عمومی نیست، بلکه نقش هماهنگ‌کننده‌ای را بر عهده می‌گیرد که از طریق ایجاد ارتباط میان بازیگران مختلف، ظرفیت حل مسأله را افزایش می‌دهد. امرسون و همکاران[۲](۲۰۱۲) نیز بر این باورند که حکمرانی مشارکتی زمانی شکل می‌گیرد که نهادهای مختلف بتوانند در یک چارچوب مشترک، منابع و دانش خود را به اشتراک بگذارند. بر این اساس، در زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، مدیریت شهری باید از نقش مجری پروژه‌های اجتماعی به نقش معمار زیست‌بوم تغییر کند. این دیدگاه با مطالعات حکمرانی زیست‌بوم‌های کارآفرینی همسو است که بر اهمیت طراحی روابط، هماهنگی بازیگران و ایجاد سازوکارهای نهادی برای عملکرد زیست‌بوم تأکید دارند. در این رویکرد، حکمرانی زیست‌بوم به معنای کنترل مستقیم بازیگران نیست، بلکه شامل ایجاد شرایط تعامل، تنظیم قواعد همکاری و تسهیل جریان منابع میان اعضای زیست‌بوم است (Colombo, Dagnino, Lehmann & Salmador, 2019, P. 419; Cunningham, Menter & O'Kane, 2018, P. 90). منظور از معماری زیست‌بوم، ایجاد شرایطی است که در آن بازیگران مختلف بتوانند تعامل کنند، منابع را به اشتراک بگذارند و راه‌حل‌های نوآورانه برای مسائل شهری توسعه دهند. مفهوم معماری زیست‌بوم در این پژوهش با ادبیات حکمرانی زیست‌بوم و هماهنگ‌سازی

شبکه‌ای پیوند دارد. برخلاف نقش سنتی دولت محلی که بر ارائه مستقیم خدمات تمرکز دارد، معماری زیست‌بوم به توانایی یک بازیگر نهادی برای طراحی شرایط تعامل، تنظیم روابط، ایجاد جریان منابع و تسهیل خلق ارزش جمعی اشاره دارد.

**۱-۴. پیوند حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری با مدیریت شهری ششم**

درک نقش مدیریت شهری در شکل‌دهی به زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، بدون توجه به زمینه نهادی و سیاستی دوره ششم مدیریت شهری، به‌ویژه در کلان‌شهرهای ایران، ناقص خواهد بود. این دوره را می‌توان به‌عنوان مرحله‌ای گذار در حکمرانی شهری در نظر گرفت که طی آن، گفتمان مدیریت شهری به‌تدریج از رویکرد پروژه‌محور و متمرکز بر مداخلات عمرانی، به سمت رویکردهای اجتماعی‌تر، مشارکتی‌تر و مسأله‌محور حرکت کرده است. در این چارچوب، تأکید بر سیاست‌هایی مانند محله‌محوری، عدالت شهری، توسعه مشارکت شهروندی و تقویت نهادهای محلی، نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی ظرفیت نهادی برای گذار از مدیریت شهری اجرایی به حکمرانی شبکه‌ای است. این تغییر، از منظر نظری، با ادبیات حکمرانی مشارکتی و هم‌آفرینی ارزش عمومی همسو است (Ansell & Torfing, 2021) و زمینه لازم برای فعال‌سازی سازوکارهای زیست‌بومی را فراهم می‌کند.

**۱-۵. جایگاه مدیریت شهری ششم در مدل مفهومی پژوهش**

در مدل مفهومی پیشنهادی این پژوهش، مدیریت شهری (در قالب دوره ششم حکمرانی شهری) نه به‌عنوان یک متغیر محیطی، بلکه به‌عنوان محرک نهادی و گره آغازگر در زنجیره خلق ارزش تعریف می‌شود. این جایگاه از طریق سه سازوکار کلیدی در مدل عمل می‌کند:

الف) ایجاد بستر نهادی

مدیریت شهری ششم با تغییر نسبی در گفتمان سیاستی، بسترهای قانونی، برنامه‌ای و نهادی لازم برای مشارکت بازیگران را فراهم می‌کند. این بستر، نقطه شروع شکل‌گیری حکمرانی تسهیلگر شهری در مدل است.

ب) فعال‌سازی شبکه بازیگران

در ادامه، این بستر نهادی امکان اتصال میان بازیگران پراکنده (دانشگاه، NGO ها، بخش خصوصی و شهروندان) را فراهم می‌کند. این مرحله در مدل، همان شبکه بازیگران زیست‌بوم است که بدون نقش تنظیم‌گر مدیریت شهری ششم، به‌صورت پراکنده و کم‌اثر باقی می‌ماند.

ج) گذار به حکمرانی زیست‌بومی

در سطح بالاتر، مدیریت شهری ششم با حرکت از نقش مجری به نقش تسهیلگر، به تدریج وارد فاز حکمرانی زیست‌بومی می‌شود؛ جایی که هدف نه اجرای مستقیم پروژه‌ها، بلکه طراحی قواعد تعامل، تسهیل جریان منابع و تقویت یادگیری جمعی است.

در این زنجیره، مدیریت شهری ششم نقش متغیر آغازگر ساختاری را دارد که بدون آن، سایر اجزای زیست‌بوم یا فعال نمی‌شوند یا در سطح تعاملات پراکنده باقی می‌مانند. به این معنا، زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری نه یک ساختار خودسازمان‌یاب صرف، بلکه یک سیستم نهادی‌شده با محرک حکمرانی شهری است. در این چارچوب، مدیریت شهری ششم نمونه‌ای از یک دوره گذار نهادی است که در آن امکان حرکت از مدیریت خدمات‌محور به سمت حکمرانی ارزش‌محور فراهم شده، اما این گذار هنوز در مرحله تثبیت نهادی قرار دارد و نیازمند تقویت سازوکارهای پایدار مشارکت، یادگیری و شبکه‌سازی است.

بررسی سه جریان نظری نشان می‌دهد که هر کدام بخشی از مسأله را توضیح می‌دهند:

**مقایسه تطبیقی رویکردهای نظری مرتبط با زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری**

| رویکرد نظری | پرسش اصلی | دستاورد | محدودیت |
|---|---|---|---|
| زیست‌بوم کارآفرینی | چه عناصری برای شکل‌گیری فعالیت کارآفرینانه لازم است؟ | توجه به شبکه، منابع و نهادها | تمرکز بیشتر بر ارزش اقتصادی |
| کارآفرینی اجتماعی | چگونه مسائل اجتماعی حل می‌شوند؟ | توجه به خلق ارزش اجتماعی | ضعف در تبیین ساختار زیست‌بوم |
| حکمرانی شهری | چگونه بازیگران مختلف هماهنگ می‌شوند؟ | توضیح همکاری و مشارکت | نبود مدل مشخص برای توسعه کارآفرینی اجتماعی |

منبع: تدوین پژوهشگر بر اساس مرور و تلفیق ادبیات نظری

بنابراین، پژوهش حاضر با ترکیب این سه حوزه نظری، استدلال می‌کند که زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری زمانی شکل می‌گیرد که:

نخست، مدیریت شهری بستر نهادی و سیاستی لازم را فراهم کند؛ دوم، شبکه‌ای از بازیگران شهری شکل گیرد؛ سوم، جریان دانش، منابع و یادگیری میان بازیگران تقویت شود؛ و در نهایت، این تعاملات به خلق ارزش اجتماعی و افزایش ظرفیت حل مسائل شهری منجر شود. بر این اساس، مدل مفهومی پژوهش بر مبنای تعامل میان حکمرانی تسهیلگر، شبکه بازیگران، قابلیت‌های زیست‌بوم و پیامدهای اجتماعی توسعه می‌یابد.

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

### ۲-۱. رویکرد و طرح پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با هدف توسعه یک چارچوب مفهومی برای تبیین حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری انجام شده است. با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای موضوع و پراکندگی مفاهیم مرتبط در سه حوزه زیست‌بوم‌های کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی و حکمرانی شهری، از رویکرد سنتز مضمون‌محور ادبیات استفاده شد. این رویکرد امکان ترکیب نظام‌مند یافته‌ها و مفاهیم حاصل از مطالعات پیشین را فراهم می‌سازد و به پژوهشگر اجازه می‌دهد الگوهای مفهومی مشترک، روابط میان سازه‌ها و سازوکارهای زیربنایی یک پدیده را شناسایی و در قالب یک چارچوب نظری جدید سازماندهی کند (Thomas & Harden, 2008; Snyder, 2019, P. 333).

برخلاف مرور سنتی ادبیات که عمدتاً بر توصیف و طبقه‌بندی مطالعات موجود تمرکز دارد، سنتز مضمون‌محور با هدف فراتر رفتن از سطح توصیف و دستیابی به مفاهیم انتزاعی‌تر انجام می‌شود. در این پژوهش، تحلیل مضمون به‌عنوان ابزاری برای شناسایی الگوهای تکرارشونده مفهومی در متون علمی و بازسازی روابط نظری میان آنها به‌کار گرفته شد. بنابراین، واحد تحلیل پژوهش نه پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، بلکه مفاهیم، گزاره‌ها و چارچوب‌های نظری ارائه‌شده در منابع علمی منتخب بود. فرآیند تحلیل با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون بازتابی براون و کلارک[۳](۲۰۰۶، ۲۰۲۱) انجام شد. این رویکرد با تأکید بر نقش فعال پژوهشگر در تفسیر داده‌های کیفی، امکان توسعه مفاهیم جدید از طریق تعامل میان داده‌ها و مبانی نظری را فراهم می‌کند. در این پژوهش، هدف

از تحلیل مضمون صرفاً استخراج عناصر تکرارشونده در ادبیات نبود، بلکه شناسایی نقش هر یک از عناصر در ساختار حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری و تبیین روابط میان آنها بود. به منظور شفاف‌سازی فرآیند استخراج و ترکیب مضامین نظری، خلاصه‌ای از مسیر تحلیل منابع، شامل نمونه‌ای از واحدهای مفهومی استخراج‌شده، کدهای اولیه، مقولات مفهومی و مضامین نهایی در پیوست (الف) ارائه شده است.

**۲-۲. جامعه پژوهش و روش انتخاب منابع**

جامعه پژوهش حاضر شامل مطالعات علمی منتشرشده در حوزه‌های زیست‌بوم‌های کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی، نوآوری اجتماعی، حکمرانی شهری و خلق ارزش عمومی بود. با توجه به ماهیت مفهومی پژوهش، انتخاب منابع بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند نظری انجام شد؛ به این معنا که منابعی انتخاب شدند که بیشترین ظرفیت را برای تبیین روابط میان بازیگران، سازوکارهای حکمرانی، قابلیت‌های زیست‌بومی و پیامدهای اجتماعی داشتند (Suri, 2011, P. 63).

فرآیند انتخاب منابع بر اساس سه معیار اصلی انجام شد. نخست، ارتباط مفهومی؛ به این معنا که منبع باید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به یکی از مفاهیم محوری پژوهش شامل زیست‌بوم کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی، نوآوری اجتماعی، حکمرانی شبکه‌ای، حکمرانی زیست‌بوم یا خلق ارزش عمومی پرداخته باشد. دوم، اعتبار علمی؛ شامل مقالات منتشرشده در مجلات علمی معتبر نمایه‌شده در پایگاه‌های بین‌المللی، کتاب‌های نظری شناخته‌شده و مطالعات مرجع در حوزه‌های مرتبط. سوم، قابلیت تبیینی و نظری؛ یعنی منبع بتواند در توضیح عناصر، روابط یا سازوکارهای شکل‌دهنده زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری نقش داشته باشد. منابعی که صرفاً بر کارآفرینی فردی، عملکرد اقتصادی بنگاه‌ها، مدیریت داخلی سازمان‌ها یا توسعه کسب‌وکار بدون توجه به ابعاد اجتماعی، نهادی و شبکه‌ای تمرکز داشتند، از فرآیند تحلیل کنار گذاشته شدند. همچنین مطالعاتی که صرفاً به معرفی مفاهیم عمومی پرداخته و فاقد قابلیت استفاده در توسعه مدل مفهومی بودند، حذف شدند.

فرآیند انتخاب منابع تا رسیدن به کفایت مفهومی ادامه یافت؛ به این معنا که پس از تحلیل منابع منتخب، مطالعات جدید صرفاً به تکرار مضامین موجود منجر می‌شدند و

مفهوم جدیدی به ساختار مدل اضافه نمی‌کردند. بر این اساس، ۳۸ منبع نهایی به‌عنوان مجموعه داده پژوهش انتخاب و وارد فرآیند تحلیل مضمون شدند.

### ۳-۲. راهبرد جست‌وجو و گردآوری داده‌ها

گردآوری منابع با استفاده از یک راهبرد جست‌وجوی نظام‌مند در پایگاه‌های علمی Scopus، Web of Science و Google Scholar انجام شد. انتخاب این پایگاه‌ها به دلیل پوشش گسترده مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه‌های مدیریت، کارآفرینی، سیاست‌گذاری عمومی و مطالعات شهری صورت گرفت.

جست‌وجو با استفاده از ترکیب کلیدواژه‌های اصلی پژوهش و عملگرهای منطقی انجام شد:

("entrepreneurial ecosystem" OR "innovation ecosystem")
AND
("social entrepreneurship" OR "social innovation")
AND
("urban governance" OR "public value" OR "collaborative governance")

در مرحله نخست، ۲۲۳ رکورد شناسایی شد. پس از حذف مطالعات تکراری، ۱۸۷ عنوان و چکیده مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله، مطالعاتی که فاقد ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش بودند حذف شدند. سپس متن کامل مطالعات باقی‌مانده بررسی شد و منابعی که توان تبیین عناصر، روابط یا سازوکارهای زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری را نداشتند کنار گذاشته شدند. در نهایت، ۳۸ منبع واجد شرایط وارد مرحله تحلیل مضمون شدند. فرآیند انتخاب منابع با هدف افزایش شفافیت و قابلیت پیگیری پژوهش انجام شد و منطق آن با اصول گزارش‌دهی مرورهای نظام‌مند کیفی هماهنگ بود (Page et al., 2021).

### ۴-۲. فرآیند تحلیل مضمون

تحلیل منابع منتخب با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) انجام شد. در این پژوهش، تحلیل مضمون نه به‌عنوان روشی برای تحلیل داده‌های تجربی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای سازماندهی، ترکیب و تفسیر مفاهیم نظری موجود در ادبیات پژوهش به‌کار گرفته شد. هدف از به‌کارگیری این رویکرد، شناسایی الگوهای مفهومی

تکرارشونده، کشف ارتباط میان سازه‌های نظری و توسعه چارچوبی یکپارچه برای تبیین حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری بود. استفاده از تحلیل مضمون برای سنتز دانش موجود و توسعه چارچوب‌های مفهومی جدید در پژوهش‌های نظری و روش‌شناختی مورد تأکید قرار گرفته است (Braun & Clarke, 2021, P. 328; Byrne, 2022, P. 1391). برای افزایش اعتبار تحلیل، معیارهای اعتبارپذیری پژوهش‌های کیفی مورد توجه قرار گرفت (Lincoln & Guba, 1985). بدین منظور، فرآیند استخراج مفاهیم و مضامین از منابع منتخب به‌صورت بازبینی چندمرحله‌ای انجام شد و مضامین شناسایی‌شده از طریق مقایسه مستمر با مبانی نظری و مطالعات پیشین مورد ارزیابی قرار گرفتند. همچنین تلاش شد استخراج مضامین بر اساس محتوای منابع و شواهد نظری موجود انجام شود و از تفسیرهای فاقد پشتوانه علمی اجتناب شود. در نهایت، با تشریح ویژگی‌های مفهومی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری و شرایط کاربرد چارچوب پیشنهادی، امکان انتقال‌پذیری مدل در سایر زمینه‌های شهری مورد توجه قرار گرفت.

### ۵-۲. فرآیند توسعه مدل مفهومی پژوهش

پس از استخراج و پالایش مضامین حاصل از تحلیل منابع منتخب، مرحله توسعه مدل مفهومی با هدف تبیین روابط میان عناصر کلیدی حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری انجام شد. در این مرحله، مضامین نهایی بر اساس میزان ارتباط مفهومی، نقش آنها در شکل‌گیری و پایداری زیست‌بوم و جایگاه نظری آنها در ادبیات کارآفرینی اجتماعی، حکمرانی شهری و نظریه زیست‌بوم‌های نوآوری مورد بازبینی و سازماندهی قرار گرفتند. برای این منظور، مضامین استخراج‌شده در سه سطح مفهومی مورد بررسی قرار گرفتند. در سطح نخست، مفاهیمی که بیانگر الزامات و شرایط شکل‌گیری زیست‌بوم بودند، در قالب پیشران‌ها و ظرفیت‌های توانمندساز زیست‌بوم دسته‌بندی شدند. در سطح دوم، مفاهیمی که به سازوکارهای هماهنگی، تعامل و مدیریت روابط میان بازیگران اشاره داشتند، تحت عنوان سازوکارهای حکمرانی زیست‌بوم سازماندهی شدند. در سطح سوم، مفاهیمی که پیامدهای حاصل از عملکرد زیست‌بوم را نشان می‌دادند، در قالب نتایج و پیامدهای خلق ارزش عمومی قرار گرفتند.

بر این اساس، مدل مفهومی پژوهش در قالب یک ساختار چندلایه توسعه یافت که در آن مدیریت شهری به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی حکمرانی، نقش تسهیلگر، هماهنگ‌کننده و ظرفیت‌ساز را در شکل‌دهی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی ایفا می‌کند. در این چارچوب، شش مضمون فراگیر شامل حکمرانی تسهیلگر شهری، شبکه کنشگران و مشارکت بین‌بخشی، توسعه قابلیت‌های زیست‌بوم، سرمایه اجتماعی زیست‌بوم، زیرساخت‌های پشتیبان و پیامدهای خلق ارزش عمومی به‌عنوان ابعاد اصلی مدل شناسایی شدند. روابط میان این ابعاد نشان می‌دهد که خلق ارزش عمومی در زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، حاصل عملکرد منفرد یک سازمان یا نهاد نیست، بلکه نتیجه تعامل میان ظرفیت‌های نهادی، شبکه‌های کنشگری، زیرساخت‌های حمایتی و سازوکارهای حکمرانی مشارکتی است. از این منظر، مدیریت شهری دوره ششم می‌تواند با ایفای نقش تسهیلگر و تنظیم‌گر، زمینه هم‌افزایی میان بازیگران مختلف و تقویت ظرفیت‌های زیست‌بوم را فراهم کند.

**سازمان‌دهی مضامین فراگیر در سطوح مفهومی مدل حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری**

| سطح تحلیل | مضمون استخراج‌شده | نمونه مفاهیم اولیه از منابع | نقش در مدل |
|---|---|---|---|
| زمینه‌ای | حکمرانی تسهیلگر شهری | سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، حمایت نهادی | فراهم‌سازی محیط توانمندساز |
| کنشی | شبکه کنشگران | دولت، شهرداری، جامعه مدنی، کسب‌وکار اجتماعی | هماهنگی و هم‌افزایی |
| ظرفیتی | توسعه قابلیت‌ها | آموزش، مهارت، توانمندسازی | افزایش ظرفیت بازیگران |
| ارتباطی | سرمایه اجتماعی | اعتماد، همکاری، مشارکت | انسجام زیست‌بوم |
| زیرساختی | زیرساخت‌های پشتیبان | منابع مالی، فضا، خدمات | پشتیبانی عملیاتی |
| پیامدی | خلق ارزش عمومی | حل مسائل شهری، رفاه اجتماعی، توسعه پایدار | خروجی مدل |

منبع: تدوین پژوهشگر بر اساس تحلیل و سنتز مفهومی منابع منتخب و یافته‌های پژوهش حاضر

## ۳. یافته‌های پژوهش

### ۱-۳. فرآیند استخراج مضامین و توسعه مدل مفهومی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری

تحلیل داده‌ها با هدف شناسایی مؤلفه‌های اصلی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری بر پایه مرور نظام‌مند ادبیات و تحلیل مضمون بازتابی انجام شد. با بررسی منابع منتخب، واحدهای معنایی مرتبط با ابعاد مختلف زیست‌بوم استخراج و طی چندین مرحله بازخوانی، کدگذاری و مقایسه مستمر، به مجموعه‌ای از کدهای اولیه تبدیل شدند. در ادامه، کدهای هم‌معنا و دارای اشتراک مفهومی در قالب مفاهیم انتزاعی و مضامین فرعی سازماندهی و در نهایت در شش مضمون اصلی ادغام شدند. این فرآیند صرفاً به دسته‌بندی داده‌ها محدود نبود، بلکه با تأکید بر تفسیر و انتزاع مفهومی، تلاش شد روابط درونی میان مفاهیم و نقش هر یک از آنها در ساختار زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری تبیین شود؛ رویکردی که با منطق تحلیل مضمون بازتابی براون و کلارک[۴](۲۰۰۶، ۲۰۲۱) همخوان است.

از آنجا که هدف پژوهش صرفاً شناسایی مؤلفه‌های زیست‌بوم نبود، بلکه ارائه مدلی مفهومی برای تبیین نحوه تعامل این مؤلفه‌ها در بستر مدیریت شهری بود، فرآیند تحلیل پس از استخراج مضامین متوقف نشد. پژوهشگران با بازگشت مکرر به واحدهای معنایی، کدهای اولیه، مضامین فرعی و اصلی، روابط میان آنها را بر اساس اصل مقایسه مستمر، انسجام مفهومی و انطباق با ادبیات نظری مورد بررسی قرار دادند. این فرآیند امکان شناسایی جایگاه کارکردی هر مضمون، نحوه اثرگذاری آن بر سایر مضامین و نقش آن در شکل‌گیری نظام زیست‌بومی را فراهم ساخت. در این مرحله، مضامین نه به‌عنوان مقوله‌هایی مستقل، بلکه به‌عنوان اجزای یک نظام تعاملی و پویا تحلیل شدند، نظامی که در آن تعامل میان مؤلفه‌ها، بیش از خود مؤلفه‌ها، در تبیین عملکرد زیست‌بوم اهمیت دارد (Stam, 2015, P. 1759; Stam & van de Ven, 2021, P. 809; Wurth, Stam & Spigel, 2022, P. 729).

اگرچه مدل ارائه‌شده از تحلیل نظام‌مند ادبیات و انتزاع مفهومی حاصل شده است، انتخاب منابع و تفسیر یافته‌ها با تأکید بر شرایط و تجارب مدیریت شهری دوره ششم شهرداری تهران انجام شده است. ازاین‌رو، این دوره به‌عنوان بستر تجربی پژوهش، در

تحلیل جایگاه حکمرانی شهری، تعامل بازیگران و سازوکارهای ایجاد ارزش عمومی مورد توجه قرار گرفته است، هرچند مدل نهایی از قابلیت کاربرد در سایر زمینه‌های مدیریت شهری نیز برخوردار است. در راستای افزایش شفافیت فرآیند تحلیل و فراهم ساختن امکان ردیابی مسیر دستیابی به مضامین اصلی، فرآیند انتزاع مفاهیم از داده‌های اولیه تا شکل‌گیری مضامین در جدول شماره (۱) ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که چگونه واحدهای معنایی استخراج‌شده از مطالعات منتخب، طی فرآیندی نظام‌مند به کدهای اولیه، مضامین فرعی و در نهایت مضامین اصلی تبدیل شده‌اند.

**جدول (۱): فرآیند انتزاع مفاهیم و استخراج مضامین اصلی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری**

| واحد معنایی | کد اولیه | مضمون فرعی | مضمون اصلی |
|---|---|---|---|
| وجود سازوکارهای سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری برای حمایت از کارآفرینی اجتماعی | سیاست‌گذاری حمایتی | تنظیم‌گری و راهبری | حکمرانی تسهیلگر |
| همکاری میان شهرداری، دانشگاه، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد | تعامل بین‌بخشی | هم‌افزایی بازیگران | شبکه بازیگران |
| تبادل تجربه، آموزش و یادگیری مستمر | انتقال دانش | ظرفیت‌سازی | قابلیت‌های توانمندساز |
| اعتماد، مشارکت و مسؤولیت‌پذیری مشترک | اعتماد اجتماعی | تعاملات پایدار | سرمایه اجتماعی |
| دسترسی به منابع مالی، فضاهای نوآوری و حمایت نهادی | منابع پشتیبان | حمایت نهادی | زیرساخت‌های پشتیبان |
| خلق ارزش عمومی، نوآوری اجتماعی و حل مسائل شهری | ارزش‌آفرینی | اثرگذاری اجتماعی | خروجی‌های زیست‌بوم |

منبع: تدوین پژوهشگر بر اساس استخراج کدهای اولیه، انتزاع مفهومی و تحلیل مضمون منابع منتخب پژوهش

همانگونه که جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، شش مضمون اصلی پژوهش حاصل تجمیع صرف کدها نیستند، بلکه بازنمایی الگوهای مفهومی تکرارشونده‌ای هستند که در بخش قابل توجهی از مطالعات مرتبط با زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری مشاهده

شده‌اند. قابلیت ردیابی مسیر تبدیل داده‌های اولیه به مضامین اصلی، ضمن افزایش شفافیت فرآیند تحلیل، امکان ارزیابی استحکام یافته‌ها را نیز برای خواننده فراهم می‌سازد. همچنین جدول نشان می‌دهد که هر مضمون اصلی علاوه بر برخورداری از پشتوانه تجربی، نقش مشخصی در ساختار مدل مفهومی ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که برخی مضامین نقش هماهنگ‌کننده، برخی نقش توانمندساز و برخی نقش پیامدی دارند. با این حال، استخراج مضامین پایان فرآیند تحلیل نبود. بررسی عمیق‌تر یافته‌ها نشان داد که تبیین زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری صرفاً با معرفی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم تحلیل نحوه تعامل، وابستگی متقابل و جایگاه کارکردی این مؤلفه‌ها در یک نظام پویا است. بر این اساس، در مرحله بعد، فرآیند توسعه مدل مفهومی با تمرکز بر تحلیل روابط میان مضامین، تبیین نقش هر یک از آن‌ها و تلفیق یافته‌ها با مبانی نظری دنبال شد.

به منظور مستندسازی این فرآیند، مراحل توسعه مدل مفهومی از استخراج مضامین تا شکل‌گیری مدل نهایی در جدول شماره (۲) ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که مدل مفهومی پژوهش حاصل یک فرآیند تدریجی از تحلیل، مقایسه، انتزاع نظری و یکپارچه‌سازی یافته‌ها بوده است و صرفاً بر مبنای فراوانی تکرار مفاهیم شکل نگرفته است.

**جدول (۲): فرآیند توسعه مدل مفهومی از تحلیل مضامین**

| مرحله | اقدام پژوهشگر | مبنای تحلیل | خروجی |
|---|---|---|---|
| ۱ | استخراج مضامین اصلی از ادبیات | تحلیل مضمون بازتابی | شش مضمون اصلی |
| ۲ | تحلیل نقش هر مضمون | مقایسه مستمر مضامین | تعیین جایگاه هر مضمون |
| ۳ | تحلیل روابط میان مضامین | هم‌وقوعی مفاهیم و تطبیق با ادبیات | شبکه روابط مفهومی |
| ۴ | انتزاع نظری | تلفیق یافته‌ها با نظریه‌های زیست‌بوم | مدل مفهومی اولیه |
| ۵ | بازبینی مدل | بررسی انسجام نظری و منطقی | مدل مفهومی نهایی |

منبع: تدوین پژوهشگر بر اساس تحلیل مضمون و فرآیند انتزاع نظری پژوهش حاضر

همانگونه که جدول شماره (۲) نشان می‌دهد، توسعه مدل مفهومی طی پنج مرحله به‌هم‌پیوسته انجام شده است. در گام نخست، مضامین اصلی از طریق تحلیل مضمون استخراج شدند. سپس جایگاه کارکردی هر مضمون در ساختار زیست‌بوم مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه، روابط میان مضامین با استفاده از مقایسه مستمر داده‌ها، بازخوانی مطالعات منتخب و انطباق با مبانی نظری حوزه زیست‌بوم‌های کارآفرینی، حکمرانی شهری و کارآفرینی اجتماعی تبیین شد. در نهایت، روابط استخراج‌شده در قالب یک ساختار منسجم تلفیق و مدل مفهومی پژوهش توسعه یافت. این فرآیند بیانگر آن است که مدل ارائه‌شده نه حاصل چینش خطی مضامین، بلکه نتیجه انتزاع نظری از روابط میان آنها است؛ رویکردی که با مطالعات اخیر در حوزه زیست‌بوم‌های کارآفرینی، به‌ویژه تأکید بر ماهیت سیستمی، تعاملات چندسطحی و هم‌تکاملی مؤلفه‌ها، همخوانی دارد (Stam, 2015, P. 1759; Stam & van de Ven, 2021, P. 809; Wurth, Stam & Spigel, 2022, P. 729).

### ۲-۳. تبیین مضامین اصلی

الف) حکمرانی تسهیلگر شهری، بستر هماهنگ‌کننده شکل‌گیری زیست‌بوم

تحلیل مضمون نشان داد که حکمرانی تسهیلگر شهری بنیادی‌ترین مضمون استخراج‌شده در تبیین زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری است. یافته‌ها بیانگر آن است که نقش مدیریت شهری در این زیست‌بوم، فراتر از اجرای مستقیم برنامه‌ها و ارائه خدمات عمومی بوده و بیش از هر چیز بر ایجاد ظرفیت نهادی برای تعامل، هماهنگی و هم‌آفرینی میان بازیگران مختلف استوار است. در این چارچوب، مدیریت شهری از جایگاه یک مجری صرف فاصله گرفته و به بازیگری تبدیل می‌شود که با طراحی قواعد تعامل، تسهیل مشارکت، کاهش موانع نهادی و ایجاد سازوکارهای همکاری، زمینه فعال شدن سایر اجزای زیست‌بوم را فراهم می‌کند. بررسی واحدهای معنایی استخراج‌شده نشان داد که مضامینی نظیر سیاست‌گذاری حمایتی، هماهنگی میان‌بخشی، تنظیم قواعد همکاری، رهبری شبکه‌ای و تسهیل تعامل میان ذی‌نفعان بیشترین فراوانی و بیشترین ارتباط را با این مضمون داشته‌اند. این یافته نشان می‌دهد که در زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، کیفیت حکمرانی بیش از میزان مداخله مستقیم مدیریت شهری در

موفقیت زیست‌بوم اثرگذار است؛ زیرا حکمرانی، چارچوب نهادی لازم برای شکل‌گیری همکاری میان بازیگران، جریان اطلاعات و بسیج منابع را فراهم می‌سازد.

این یافته با دیدگاه حکمرانی مشارکتی انسل و گاش[۵](۲۰۰۸) همسو است که حل مسائل عمومی را مستلزم ایجاد سازوکارهای مشارکت میان بازیگران دولتی، خصوصی و جامعه مدنی می‌دانند. همچنین با مفهوم زیست‌بوم مطرح‌شده توسط اوشو و توماس[۶] (۲۰۲۰) و نیز دیدگاه گاور[۷](۲۰۲۱) همخوانی دارد؛ دیدگاهی که بر نقش بازیگر هماهنگ‌کننده در تنظیم روابط، هدایت تعاملات و ایجاد هم‌افزایی میان اعضای زیست‌بوم تأکید می‌کند. در چنین رویکردی، حکمرانی نه به‌عنوان ابزار کنترل، بلکه به‌عنوان سازوکاری برای تسهیل همکاری و خلق ارزش مشترک عمل می‌کند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در بستر مدیریت شهری دوره ششم، گذار از الگوی مدیریت اجرایی به حکمرانی تسهیلگر می‌تواند یکی از پیش‌نیازهای شکل‌گیری زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری باشد. تأکید این دوره بر مشارکت شهروندان، توسعه مدیریت محله‌محور، تعامل با نهادهای مردمی و شبکه‌سازی میان کنشگران شهری، با منطق حکمرانی استخراج‌شده در این پژوهش هم‌راستا است. ازاین‌رو، مدیریت شهری زمانی می‌تواند نقش مؤثری در خلق ارزش عمومی ایفا کند که علاوه بر ارائه خدمات، نقش هماهنگ‌کننده، تسهیلگر و معمار تعاملات زیست‌بومی را نیز بر عهده گیرد.

ب) شبکه بازیگران زیست‌بوم، سازوکار هم‌افزایی ظرفیت‌های شهری

دومین مضمون اصلی استخراج‌شده، شبکه بازیگران زیست‌بوم است. تحلیل منابع نشان داد که وجود بازیگران متنوع، شرط لازم برای شکل‌گیری زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی است، اما شرط کافی محسوب نمی‌شود. آنچه موجب تبدیل ظرفیت‌های پراکنده شهری به یک زیست‌بوم منسجم می‌شود، کیفیت ارتباطات، میزان اعتماد، الگوهای همکاری و سازوکارهای تعامل میان این بازیگران است. از این منظر، شبکه بازیگران نه صرفاً مجموعه‌ای از روابط سازمانی، بلکه بستری برای هم‌افزایی ظرفیت‌های اجتماعی، نهادی و دانشی شهر به‌شمار می‌آید. کدهایی نظیر همکاری بین‌بخشی، پیوند نهادی، نهادهای واسط، شبکه همکاری و ارتباط میان ذی‌نفعان نشان می‌دهد که تعامل مستمر میان مدیریت شهری، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، بخش خصوصی، کسب‌وکارهای

اجتماعی و شهروندان، زمینه لازم برای شکل‌گیری ظرفیت‌های جمعی را فراهم می‌کند. یافته‌ها نشان داد که در نبود چنین شبکه‌ای، حتی وجود منابع مالی و حمایت‌های نهادی نیز الزاماً به توسعه کارآفرینی اجتماعی منجر نخواهد شد.

این نتیجه با دیدگاه اسپیگل[8](۲۰۱۷) همخوان است که زیست‌بوم‌های کارآفرینی را پدیده‌هایی رابطه‌ای می‌داند که ارزش آنها از تعامل میان عناصر مختلف ناشی می‌شود، نه صرفاً از حضور آنها. همچنین مطالعات هوگینز[9]و همکاران (۲۰۱۲)، بوگرز[10]و همکاران (۲۰۲۰) و نامبیسان[11]و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که شبکه‌های همکاری از طریق تسهیل جریان دانش، انتقال تجربه، یادگیری میان‌سازمانی و ترکیب منابع، ظرفیت نوآوری را افزایش می‌دهند.

یافته‌های این پژوهش فراتر از مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، شبکه‌ها صرفاً نقش انتقال اطلاعات را بر عهده ندارند، بلکه مکانیزم اصلی شکل‌گیری اعتماد، یادگیری مشترک و اقدام جمعی محسوب می‌شوند. بنابراین، ارزش شبکه در این مدل نه در تعداد بازیگران، بلکه در کیفیت روابط، میزان تعامل و توانایی آن در ایجاد ظرفیت جمعی برای حل مسائل شهری است. در چارچوب مدیریت شهری دوره ششم، تقویت شبکه‌های همکاری میان شهرداری، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، کسب‌وکارهای اجتماعی و بخش خصوصی می‌تواند ظرفیت پراکنده شهر را به سرمایه‌ای جمعی برای حل مسائل شهری تبدیل کند. بر این اساس، مدیریت شهری نه صرفاً به‌عنوان یکی از بازیگران زیست‌بوم، بلکه به‌عنوان تسهیلگر تعاملات میان بازیگران، نقشی کلیدی در پویایی زیست‌بوم ایفا می‌کند.

ج) قابلیت‌های توانمندساز، پیونددهنده منابع و خلق ارزش اجتماعی

سومین مضمون اصلی، قابلیت‌های توانمندساز است که نقش واسطه‌ای میان ظرفیت‌های موجود در زیست‌بوم و پیامدهای حاصل از آن را ایفا می‌کند. تحلیل مضامین نشان داد که وجود منابع مالی، زیرساخت‌های حمایتی و حتی شبکه‌های گسترده همکاری، بدون توسعه قابلیت‌های انسانی و سازمانی، به خلق ارزش اجتماعی پایدار منجر نخواهد شد. ازاین‌رو، قابلیت‌هایی همچون یادگیری جمعی، انتقال دانش، توسعه مهارت، ظرفیت‌سازی و توان طراحی راه‌حل‌های نوآورانه، مهم‌ترین سازوکار تبدیل

ظرفیت‌های بالقوه به اقدام مؤثر اجتماعی به‌شمار می‌روند. بررسی واحدهای معنایی استخراج‌شده نشان داد که یادگیری میان‌بازیگران، تولید و به اشتراک‌گذاری دانش، انباشت تجربه و توسعه مهارت‌های حل مسأله، بیشترین سهم را در شکل‌گیری این مضمون داشته‌اند. این یافته بیانگر آن است که مزیت رقابتی زیست‌بوم‌های کارآفرینی اجتماعی بیش از آنکه مبتنی بر انباشت منابع باشد، بر توانایی بازیگران در یادگیری مستمر، ترکیب دانش و انطباق با مسائل پیچیده شهری استوار است.

این نتیجه با دیدگاه استم[۲](۲۰۱۵) و استم و ون دی ون[۳](۲۰۲۱) همخوان است که دانش، سرمایه انسانی و یادگیری را از مهم‌ترین عناصر پویایی زیست‌بوم‌های کارآفرینی معرفی می‌کنند. همچنین مطالعات هومویست[۴](۲۰۰۳) و پوه [۵]و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که یادگیری میان‌سازمانی، مکانیزم اصلی تبدیل تعاملات شبکه‌ای به ظرفیت نوآوری است. با این حال، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، این قابلیت‌ها علاوه بر توسعه نوآوری، نقش مهمی در افزایش توان اقدام جمعی، حل مسائل عمومی و خلق ارزش اجتماعی نیز ایفا می‌کنند؛ موضوعی که وجه تمایز این زیست‌بوم با بسیاری از زیست‌بوم‌های کارآفرینی اقتصادی است. بر این اساس، قابلیت‌های توانمندساز در مدل مفهومی پژوهش به‌عنوان حلقه اتصال میان تعاملات شبکه‌ای و پیامدهای اجتماعی ایفای نقش می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که کیفیت یادگیری، ظرفیت‌سازی و انتقال دانش، تعیین‌کننده میزان اثربخشی سایر مؤلفه‌های زیست‌بوم خواهد بود. دلالت این یافته برای مدیریت شهری دوره ششم آن است که سرمایه‌گذاری صرف بر توسعه زیرساخت‌های فیزیکی یا حمایت‌های مالی کافی نیست؛ بلکه ایجاد سازوکارهای یادگیری، انتقال تجربه، آموزش و توسعه ظرفیت‌های انسانی باید به‌عنوان بخشی از سیاست‌های حکمرانی شهری مورد توجه قرار گیرد.

د) سرمایه اجتماعی زیست‌بوم؛ بستر ناملموس انسجام و پایداری تعاملات

چهارمین مضمون اصلی استخراج‌شده، سرمایه اجتماعی زیست‌بوم است. تحلیل مضامین نشان داد که شکل‌گیری و تداوم زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، صرفاً به وجود بازیگران، منابع یا ساختارهای رسمی وابسته نیست، بلکه به کیفیت روابط اجتماعی میان کنشگران نیز بستگی دارد. یافته‌ها بیانگر آن است که اعتماد متقابل، مشارکت فعال،

مشروعیت اجتماعی و هنجارهای همکاری، مهم‌ترین سازوکارهایی هستند که تعاملات میان بازیگران را از سطح ارتباطات مقطعی به همکاری‌های پایدار و ارزش‌آفرین ارتقا می‌دهند. بررسی کدهای اولیه نشان داد مفاهیمی همچون اعتماد نهادی، مشارکت شهروندی، همکاری پایدار، مشروعیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بیشترین سهم را در شکل‌گیری این مضمون داشته‌اند. این یافته نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی نه یک پیامد فرعی، بلکه یکی از ظرفیت‌های بنیادین برای استمرار تعاملات و کاهش هزینه‌های هماهنگی میان بازیگران است. در چنین شرایطی، اعتماد متقابل موجب تسهیل تبادل دانش، افزایش تمایل به همکاری و تقویت مسؤولیت‌پذیری جمعی می‌شود؛ عواملی که برای مواجهه با مسائل پیچیده شهری ضروری هستند.

این یافته با دیدگاه مایر[۱۶] و مارتی[۱۷] (۲۰۰۶) و پردو[۱۸] و مک لین[۱۹] (۲۰۰۶) همسو است که کارآفرینی اجتماعی را فرآیندی مبتنی بر بسیج ظرفیت‌های جمعی و مشارکت اجتماعی می‌دانند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با مطالعات وستلاند[۲۰] و آدام[۲۱] (۲۰۱۰) و نومیر[۲۲] (۲۰۱۷) نیز همخوانی دارد که سرمایه اجتماعی را زیرساخت ناملموس توسعه زیست‌بوم‌های نوآوری معرفی کرده‌اند. با این حال، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، سرمایه اجتماعی صرفاً نقش تسهیل‌کننده تعاملات را ایفا نمی‌کند، بلکه از طریق ایجاد اعتماد و مشروعیت، اثربخشی حکمرانی شهری، شبکه‌های همکاری و زیرساخت‌های حمایتی را نیز افزایش می‌دهد. بنابراین، سرمایه اجتماعی در مدل مفهومی پژوهش به‌عنوان عامل انسجام‌بخش زیست‌بوم عمل می‌کند؛ عاملی که موجب پایداری روابط و افزایش ظرفیت اقدام جمعی در مواجهه با مسائل شهری می‌شود. در مدیریت شهری دوره ششم، تقویت سرمایه اجتماعی مستلزم توسعه سازوکارهای مشارکت واقعی شهروندان، افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و اعتماد میان مدیریت شهری و ذی‌نفعان است. در چنین شرایطی، سرمایه اجتماعی به‌عنوان زیرساخت ناملموس همکاری‌های زیست‌بومی، زمینه پایداری اقدامات کارآفرینانه اجتماعی را فراهم می‌کند.

هـ) زیرساخت‌های پشتیبان؛ بستر نهادی و عملیاتی توسعه زیست‌بوم

پنجمین مضمون اصلی پژوهش، زیرساخت‌های پشتیبان است. تحلیل داده‌ها نشان داد که تحقق اهداف زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، علاوه بر وجود حکمرانی اثربخش، شبکه‌های همکاری و سرمایه اجتماعی، مستلزم دسترسی بازیگران به مجموعه‌ای از منابع و سازوکارهای حمایتی است که امکان تبدیل ظرفیت‌های بالقوه به اقدامات عملی را فراهم می‌کنند. ازاین‌رو، زیرساخت‌های پشتیبان در این پژوهش نه صرفاً به معنای امکانات فیزیکی، بلکه شامل منابع مالی، حمایت‌های نهادی، زیرساخت‌های دانشی، مراکز نوآوری، نهادهای واسط و سازوکارهای تسهیل دسترسی به منابع نیز هستند. کدهای استخراج‌شده نشان داد که حمایت نهادی، دسترسی به منابع مالی، مراکز رشد، شتاب‌دهنده‌ها، زیرساخت‌های نوآوری و خدمات توانمندسازی بیشترین سهم را در شکل‌گیری این مضمون داشته‌اند. این یافته بیانگر آن است که ظرفیت‌های ایجادشده در شبکه‌های همکاری و قابلیت‌های توانمندساز، تنها در صورتی به خلق ارزش اجتماعی منجر می‌شوند که از پشتوانه زیرساختی و نهادی مناسب برخوردار باشند. بنابراین، نقش زیرساخت‌ها در این پژوهش صرفاً تأمین منابع نیست، بلکه فراهم ساختن شرایطی است که امکان عملیاتی شدن ایده‌ها، استمرار فعالیت‌های نوآورانه و گسترش اثرات اجتماعی را فراهم کند.

این نتیجه با دیدگاه استم (۲۰۱۵) و استم و ون دی ون (۲۰۲۱) همخوانی دارد که زیرساخت‌ها و نهادهای پشتیبان را از ارکان اصلی عملکرد زیست‌بوم‌های کارآفرینی معرفی می‌کنند. همچنین گزارش سازمان توسعه و همکاری اقتصادی[۳](۲۰۱۸) بر اهمیت زیرساخت‌های حمایتی در توسعه ظرفیت‌های نوآورانه تأکید کرده‌است. با این وجود، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اثربخشی زیرساخت‌ها در زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، وابسته به کیفیت حکمرانی و میزان تعامل میان بازیگران است؛ به بیان دیگر، زیرساخت‌ها زمانی ارزش‌آفرین خواهند بود که در چارچوب یک نظام هماهنگ و مشارکتی به کار گرفته شوند. این یافته، جایگاه زیرساخت‌های پشتیبان را از یک عنصر منفعل به مؤلفه‌ای فعال در فرایند خلق ارزش عمومی ارتقا می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیریت شهری دوره ششم می‌تواند با توسعه زیرساخت‌های نوآوری، تسهیل دسترسی

به منابع، حمایت از نهادهای واسط و ایجاد بسترهای قانونی مناسب، ظرفیت‌های ایجادشده در زیست‌بوم را به اقدامات عملی و پایدار تبدیل کند.

و) خروجی‌های زیست‌بوم؛ تحقق ارزش عمومی و ارتقای تاب‌آوری شهری

آخرین مضمون اصلی استخراج‌شده، خروجی‌های زیست‌بوم است که بیانگر پیامدهای حاصل از تعامل مؤلفه‌های مختلف زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری است. تحلیل مضامین نشان داد که موفقیت این زیست‌بوم صرفاً با شاخص‌های اقتصادی یا تعداد کسب‌وکارهای ایجادشده قابل سنجش نیست، بلکه باید بر اساس میزان تحقق ارزش عمومی، توسعه نوآوری اجتماعی، افزایش مشارکت شهروندان، ارتقای تاب‌آوری شهری و بهبود ظرفیت حل مسائل اجتماعی ارزیابی شود. کدهای اولیه مرتبط با این مضمون شامل خلق ارزش عمومی، نوآوری اجتماعی، حل مسائل شهری، توسعه اجتماعی و تاب‌آوری شهری بود که همگی بر ماهیت چندبعدی پیامدهای زیست‌بوم دلالت دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که زمانی که حکمرانی تسهیلگر، شبکه بازیگران، قابلیت‌های توانمندساز، سرمایه اجتماعی و زیرساخت‌های پشتیبان در تعامل با یکدیگر عمل کنند، زیست‌بوم قادر خواهد بود ظرفیت شهر را برای پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده اجتماعی افزایش دهد. بنابراین، خروجی‌های زیست‌بوم نه حاصل عملکرد یک مؤلفه منفرد، بلکه برآیند تعامل نظام‌مند تمامی اجزای مدل هستند.

این یافته با مطالعات راندی و فایارد[۴] (۲۰۲۱)، گرنسترند و هولگروسن[۵] (۲۰۲۰) و فایر – گیب و گروسان[۶] (۲۰۲۰) همسو است که بر ضرورت ارزیابی زیست‌بوم‌ها بر اساس پیامدهای اجتماعی و عمومی، علاوه بر شاخص‌های اقتصادی، تأکید دارند. با این حال، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مهم‌ترین خروجی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری، تقویت ظرفیت حکمرانی شهری برای یادگیری و انطباق مستمر است. به عبارت دیگر، پیامدهای حاصل از عملکرد زیست‌بوم از طریق بازخورد به نظام حکمرانی، زمینه اصلاح سیاست‌ها، ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و بهبود سازوکارهای مشارکتی را فراهم می‌کنند. ازاین‌رو، مدل مفهومی پژوهش، زیست‌بوم را نه یک ساختار ایستا، بلکه نظامی پویا، یادگیرنده و بازتولیدکننده ارزش عمومی معرفی می‌کند. بر این اساس، موفقیت مدیریت شهری دوره ششم را می‌توان فراتر از شاخص‌های سنتی عملکرد

شهری و در میزان توانایی آن در خلق ارزش عمومی، توسعه نوآوری اجتماعی، افزایش تاب‌آوری شهری و تقویت ظرفیت حل مسائل عمومی ارزیابی کرد؛ شاخص‌هایی که با منطق حکمرانی زیست‌بومی استخراج‌شده در این پژوهش همخوان هستند.

### ۳-۳. تبیین منطق شکل‌گیری مدل مفهومی

تحلیل مضامین نشان داد که شش مضمون اصلی استخراج‌شده، هرچند هر یک بخشی از واقعیت زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری را تبیین می‌کنند، اما هیچ‌یک به‌تنهایی قادر به توضیح عملکرد این زیست‌بوم نیستند. بازخوانی مکرر داده‌ها، مقایسه مستمر مضامین و تحلیل ارتباط میان آنها نشان داد که ارزش تبیینی یافته‌ها نه صرفاً در شناسایی مؤلفه‌های زیست‌بوم، بلکه در آشکار ساختن الگوی تعامل و وابستگی متقابل میان این مؤلفه‌ها نهفته است. ازاین‌رو، در مرحله نهایی تحلیل، پژوهشگران از سطح توصیف مضامین فراتر رفته و با اتکا به منطق درونی داده‌ها و تطبیق آنها با ادبیات نظری، روابط میان مضامین را بازسازی و در قالب یک مدل مفهومی یکپارچه سازماندهی کردند. فرآیند توسعه مدل مفهومی بر این فرض استوار نبود که مضامین در قالب یک توالی خطی و از پیش تعیین‌شده عمل می‌کنند؛ بلکه تحلیل نشان داد که زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری ماهیتی سیستمی، پویا و هم‌تکاملی دارد و هر یک از مؤلفه‌ها ضمن ایفای نقش مستقل، از طریق تعامل مستمر با سایر مؤلفه‌ها بر عملکرد کل نظام اثر می‌گذارند. با این حال، تحلیل روابط مفهومی نشان داد که برخی مضامین نقش هماهنگ‌کننده و فعال‌کننده، برخی نقش میانجی و برخی نقش پیامدی دارند؛ موضوعی که مبنای سازماندهی اجزای مدل مفهومی قرار گرفت. بنابراین، ترتیب نمایش مؤلفه‌ها در مدل، بیانگر تقدم زمانی یا علی قطعی نیست، بلکه بازتاب‌دهنده جایگاه کارکردی هر یک از آن‌ها در منطق عملکرد زیست‌بوم است.

در این چارچوب، حکمرانی تسهیلگر شهری به‌عنوان مؤلفه‌ای شناسایی شد که از طریق سیاست‌گذاری، تنظیم قواعد همکاری، هماهنگی میان‌بخشی و ایجاد سازوکارهای مشارکتی، ظرفیت لازم برای تعامل سایر بازیگران را فراهم می‌کند. بر این اساس، حکمرانی نقش آغازگر فرآیندهای تعاملی را بر عهده ندارد، بلکه به‌عنوان سازوکار هماهنگ‌کننده، زمینه فعال شدن ظرفیت‌های موجود در زیست‌بوم را فراهم می‌سازد. در

ادامه، شبکه بازیگران زیست‌بوم به‌عنوان بستر جریان دانش، منابع و همکاری‌های میان‌بخشی عمل کرده و شرایط لازم برای توسعه قابلیت‌های فردی و سازمانی را فراهم می‌کند. این تعاملات به شکل‌گیری قابلیت‌های توانمندساز شامل یادگیری جمعی، انتقال دانش، توسعه مهارت و ظرفیت حل مسأله منجر می‌شود؛ قابلیت‌هایی که امکان تبدیل ظرفیت‌های بالقوه به اقدامات نوآورانه را فراهم می‌کنند. تحلیل روابط میان مضامین همچنین نشان داد که توسعه قابلیت‌های توانمندساز، به تقویت سرمایه اجتماعی زیست‌بوم منجر می‌شود. اعتماد، مشارکت، مشروعیت اجتماعی و هنجارهای همکاری حاصل از این فرآیند، کیفیت تعاملات میان بازیگران را ارتقا داده و زمینه بهره‌گیری مؤثر از زیرساخت‌های پشتیبان را فراهم می‌سازد. در چنین شرایطی، منابع مالی، زیرساخت‌های نوآوری، نهادهای واسط و حمایت‌های نهادی نه به‌صورت مستقل، بلکه در تعامل با سایر مؤلفه‌ها به خلق ارزش اجتماعی منجر می‌شوند. در نهایت، برهم‌کنش این مؤلفه‌ها زمینه تحقق خروجی‌های زیست‌بوم شامل نوآوری اجتماعی، خلق ارزش عمومی، افزایش تاب‌آوری شهری، ارتقای مشارکت شهروندی و بهبود ظرفیت حل مسائل اجتماعی را فراهم می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که خروجی‌های زیست‌بوم پایان فرآیند نیستند، بلکه خود به‌عنوان منبعی برای یادگیری نهادی و اصلاح سیاست‌ها عمل می‌کنند. تجربه‌های حاصل از اجرای ابتکارات اجتماعی، میزان موفقیت شبکه‌های همکاری و پیامدهای ایجادشده، اطلاعات ارزشمندی را برای بازنگری سیاست‌های مدیریت شهری، اصلاح سازوکارهای حکمرانی و بهبود تعامل میان بازیگران فراهم می‌سازند. ازاین‌رو، مدل مفهومی پژوهش دارای حلقه بازخورد است؛ حلقه‌ای که از طریق آن، پیامدهای حاصل از عملکرد زیست‌بوم به فرایند حکمرانی بازمی‌گردند و زمینه تکامل مستمر نظام را فراهم می‌کنند. این ویژگی، مدل ارائه‌شده را از یک مدل خطی به یک مدل یادگیرنده و تطبیقی تبدیل می‌کند که با رویکردهای جدید در مطالعات زیست‌بوم‌های کارآفرینی و حکمرانی شبکه‌ای همخوانی دارد دارد (Stam, 2015, P. 1759; Stam & van de Ven, 2021, P. 809; Wurth, Stam & Spigel, 2022, P. 729). به‌طور کلی، مدل مفهومی ارائه‌شده نشان می‌دهد که توسعه زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری نه حاصل تقویت یک مؤلفه

منفرد، بلکه نتیجه تعامل هم‌افزای مؤلفه‌های نهادی، اجتماعی، دانشی و زیرساختی است. در این چارچوب، ضعف یا اختلال در هر یک از مؤلفه‌ها می‌تواند کارکرد کل نظام را تحت تأثیر قرار دهد؛ در مقابل، تقویت همزمان سازوکارهای حکمرانی، شبکه‌سازی، یادگیری، سرمایه اجتماعی و زیرساخت‌های حمایتی، ظرفیت زیست‌بوم را برای خلق ارزش عمومی و پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده شهری افزایش می‌دهد.

**جدول (۳): منطق نظری روابط میان مضامین مدل مفهومی**

| رابطه مفهومی | شواهد حاصل از تحلیل مضامین | تبیین نظری | منابع پشتیبان |
|---|---|---|---|
| حکمرانی تسهیلگر -- – شبکه بازیگران | سیاست‌گذاری، هماهنگی، مشارکت بین‌بخشی | حکمرانی بستر تعامل بازیگران را فراهم می‌کند | Ansell & Gash (2008)، Autio & Thomas (2020) |
| شبکه بازیگران --- قابلیت‌های توانمندساز | تعامل، یادگیری، انتقال دانش | شبکه‌ها زمینه توسعه قابلیت‌ها را ایجاد می‌کنند | Spigel (2017)، Stam (2015) |
| قابلیت‌های توانمندساز --- سرمایه اجتماعی | یادگیری جمعی، اعتماد، همکاری | ظرفیت‌سازی اعتماد و همکاری را تقویت می‌کند | Emerson et al. (2012)، Stam (2015) |
| سرمایه اجتماعی --- زیرساخت‌های پشتیبان | مشارکت، مشروعیت، همکاری | سرمایه اجتماعی بهره‌برداری از منابع را تسهیل می‌کند | Roundy (2017)، Freire-Gibb & Gregson (2020) |
| زیرساخت‌های پشتیبان --- خروجی‌های زیست‌بوم | منابع مالی، نوآوری، حمایت نهادی | زیرساخت‌ها زمینه تحقق ارزش‌آفرینی را فراهم می‌کنند | Stam & Van de Ven (2021)، Wurth et al. (2022) |
| خروجی‌ها --- حکمرانی تسهیلگر (بازخورد) | یادگیری سیاستی، اصلاح نهادی | پیامدهای زیست‌بوم موجب بهبود حکمرانی می‌شوند | Autio & Thomas (2020)، Wurth et al. (2022) |

منبع: تدوین پژوهشگر بر اساس یافته‌های تحلیل مضمون و سنتز نظری منابع منتخب پژوهش

همانگونه که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، روابط میان مضامین اصلی بر مبنای سه معیار شواهد استخراج‌شده از تحلیل مضمون، نقش کارکردی هر مضمون در ساختار

زیست‌بوم و پشتیبانی نظری از ادبیات موضوع تبیین شده است. ازاین‌رو، ارتباط میان مؤلفه‌های مدل صرفاً حاصل برداشت پژوهشگر یا اقتباس از مدل‌های پیشین نیست، بلکه نتیجه تلفیق نظام‌مند یافته‌های تحلیل مضمون با مبانی نظری حوزه زیست‌بوم‌های کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی و حکمرانی شهری است. این رویکرد، ضمن افزایش شفافیت فرآیند توسعه مدل، قابلیت ردیابی منطق استنتاج روابط را نیز برای خواننده فراهم می‌سازد.

**مدل مفهومی نهایی حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری و سازوکار خلق ارزش عمومی**

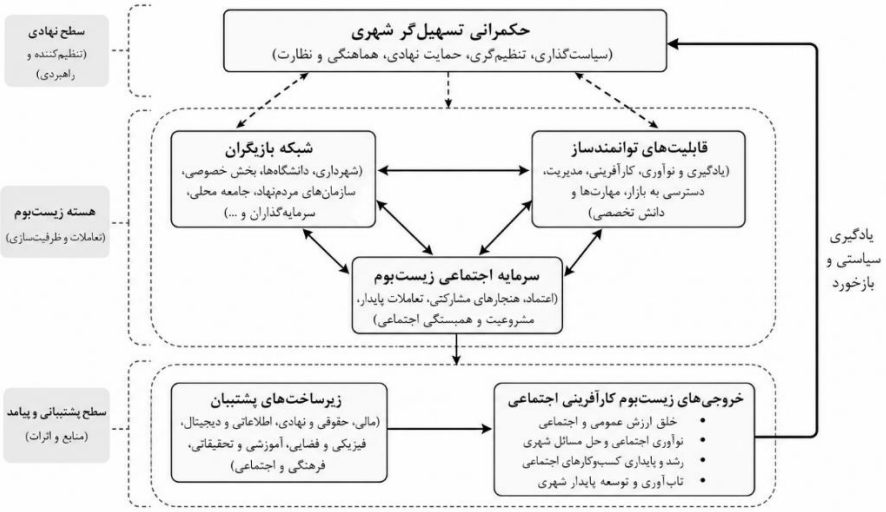


منبع: تدوین پژوهشگر بر اساس یافته‌های تحلیل مضمون و سنتز نظری منابع منتخب پژوهش

شکل شماره (۱) بازنمایی نهایی یافته‌های پژوهش است و چگونگی سازمان‌یافتگی مؤلفه‌های اصلی زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری را در قالب یک نظام تعاملی نشان می‌دهد. برخلاف نمایش‌های خطی، این مدل بیانگر آن است که عملکرد زیست‌بوم از رهگذر تعامل مستمر میان حکمرانی تسهیلگر، شبکه بازیگران، قابلیت‌های توانمندساز، سرمایه اجتماعی و زیرساخت‌های پشتیبان شکل می‌گیرد و برآیند این تعاملات، خلق ارزش عمومی، نوآوری اجتماعی، افزایش تاب‌آوری شهری و ارتقای ظرفیت حل مسائل شهری است. همچنین، حلقه بازخورد میان خروجی‌های زیست‌بوم و حکمرانی شهری

نشان می‌دهد که یادگیری حاصل از اجرای سیاست‌ها و ابتکارات اجتماعی، زمینه اصلاح ترتیبات نهادی، ارتقای کیفیت حکمرانی و تکامل مستمر زیست‌بوم را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، مدل پیشنهادی نه یک چارچوب ایستا، بلکه بازنمایی یک نظام یادگیرنده، پویا و هم‌تکاملی است که می‌تواند مبنایی برای تحلیل و طراحی سیاست‌های توسعه کارآفرینی اجتماعی در نظام مدیریت شهری قرار گیرد.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف توسعه چارچوبی مفهومی برای تبیین زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری و بررسی نقش مدیریت شهری در شکل‌گیری، هدایت و پایداری این زیست‌بوم انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که شکل‌گیری زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری حاصل حضور منفرد عناصر حمایتی، افزایش تعداد بازیگران یا ایجاد زیرساخت‌های پراکنده نیست؛ بلکه نتیجه تعامل پویا میان مجموعه‌ای از عناصر نهادی، شبکه‌ای و توانمندساز است که در نهایت به خلق ارزش عمومی منجر می‌شود. بر اساس تحلیل مضامین، حکمرانی تسهیلگر شهری، شبکه بازیگران زیست‌بوم، قابلیت‌های توانمندساز و خروجی‌های خلق ارزش عمومی، هسته اصلی این چارچوب را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که سرمایه اجتماعی و زیرساخت‌های پشتیبان به‌عنوان عوامل زمینه‌ای، ظرفیت تحقق و پایداری این فرآیند را تقویت می‌کنند.

نخستین دستاورد نظری پژوهش حاضر، توسعه ادبیات زیست‌بوم‌های کارآفرینی از تمرکز غالب بر رشد اقتصادی، توسعه کسب‌وکار و عملکرد بنگاه‌ها به سمت منطق خلق ارزش عمومی شهری است. مطالعات کلاسیک این حوزه، زیست‌بوم کارآفرینی را عمدتاً به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری و رشد فعالیت‌های کارآفرینانه، توسعه منطقه‌ای و افزایش عملکرد اقتصادی تبیین کرده‌اند (Isenberg, 2011; Stam, 2015, P. 1759). در این رویکرد، عناصری مانند سرمایه، دانش، سرمایه انسانی، سیاست‌های حمایتی و شبکه‌های ارتباطی، عوامل کلیدی موفقیت زیست‌بوم تلقی می‌شوند. با این حال، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در مواجهه با مسائل پیچیده اجتماعی شهری، منطق زیست‌بوم نیازمند بازتعریف است؛ زیرا هدف نهایی صرفاً ایجاد کسب‌وکار یا تحریک

فعالیت اقتصادی نیست، بلکه ایجاد ظرفیت جمعی برای شناسایی مسائل عمومی، بسیج منابع، توسعه راه‌حل‌های نوآورانه و ایجاد تغییر اجتماعی پایدار است.

بر این اساس، زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری را می‌توان فراتر از یک ساختار اقتصادی، به‌عنوان یک سازوکار حکمرانی ارزش عمومی در نظر گرفت. در این چارچوب، ارزش ایجادشده نه فقط از موفقیت یک سازمان یا بنگاه، بلکه از توانایی شبکه‌ای از بازیگران برای ترکیب دانش، منابع و قابلیت‌ها در جهت حل مسائل شهری ناشی می‌شود. این یافته با رویکردهای جدید در حوزه زیست‌بوم‌های کارآفرینی همسو است که بر ماهیت رابطه‌ای، زمینه‌ای و تکاملی اکوسیستم‌ها تأکید دارند (Wurth, Stam & Spigel, 2022, P. 729).

یافته دوم پژوهش به بازتعریف نقش مدیریت شهری مربوط است. نتایج نشان داد که در مواجهه با مسائل پیچیده شهری، مدیریت شهری نمی‌تواند صرفاً به‌عنوان یک نهاد اجرایی یا یکی از بازیگران محیطی زیست‌بوم در نظر گرفته شود، بلکه باید نقش معمار نهادی زیست‌بوم را ایفا کند. این نقش شامل طراحی قواعد تعامل، ایجاد بسترهای مشارکت، تسهیل ارتباط میان بازیگران، کاهش موانع همکاری و ایجاد مشروعیت برای اقدامات جمعی است. این یافته با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای و حکمرانی مشارکتی همخوان است که بر ضرورت گذار از مدیریت مستقیم به سمت هماهنگی و تسهیل همکاری میان بازیگران مستقل تأکید دارد (Ansell & Gash, 2008; Emerson et al., 2012).

در این زمینه، تجربه و جهت‌گیری‌های مدیریت شهری دوره ششم شوراهای اسلامی شهر را می‌توان به‌عنوان بستری نهادی برای ظهور چنین نقشی تحلیل کرد. اگرچه چالش‌های ساختاری مدیریت شهری همچنان وجود دارد، اما تأکید روزافزون بر رویکردهای مشارکتی، محله‌محوری، تقویت نقش شهروندان، توسعه تعامل با نهادهای اجتماعی و حرکت از ارائه مستقیم خدمت به سمت تسهیلگری اجتماعی، با منطق حکمرانی زیست‌بوم هم‌راستا است. بر این اساس، مدیریت شهری دوره ششم را می‌توان نه صرفاً یک دوره اجرایی، بلکه نشانه‌ای از تغییر تدریجی در منطق حکمرانی شهری دانست؛ تغییری که در آن شهرداری و نهادهای مدیریت شهری از جایگاه ارائه‌دهنده

منفرد راه‌حل به جایگاه هماهنگ‌کننده ظرفیت‌های اجتماعی حرکت می‌کنند. با این حال، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که صرف ایجاد شبکه‌های همکاری یا دعوت از بازیگران مختلف برای مشارکت، به شکل‌گیری زیست‌بوم منجر نمی‌شود. تفاوت میان یک شبکه همکاری ساده و یک زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی در وجود سازوکارهایی است که تعاملات را به ظرفیت نوآوری و خلق ارزش تبدیل می‌کنند. بنابراین، مدیریت شهری دوره ششم در صورت حرکت به سمت حکمرانی زیست‌بومی، نیازمند عبور از سیاست‌های صرفاً پروژه‌محور و تقویت سازوکارهای پایدار شبکه‌سازی، یادگیری جمعی، توسعه قابلیت‌ها و ایجاد زیرساخت‌های پشتیبان است. یافته سوم پژوهش، ضرورت پیوند میان سه جریان نظری زیست‌بوم کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی و حکمرانی شهری را نشان می‌دهد. ادبیات کارآفرینی اجتماعی عمدتاً بر نقش کارآفرین اجتماعی و سازمان‌های اجتماعی در ایجاد تغییر تمرکز داشته است (Mair & Martí, 2006, P. 36; Peredo & McLean, 2006, P. 56)، اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در مقیاس شهری، کنش فردی یا سازمانی به تنهایی برای حل مسائل پیچیده کافی نیست. مسائل شهری نیازمند ساختاری زیست‌بومی هستند که بتواند بازیگران مختلف، منابع پراکنده، دانش و ظرفیت‌های اجتماعی را در یک مسیر مشترک هماهنگ کند. همچنین، اگرچه حکمرانی شهری بر مشارکت و همکاری تأکید دارد، یافته‌ها نشان می‌دهد که این همکاری زمانی به نوآوری اجتماعی منجر می‌شود که در قالب یک زیست‌بوم کارآفرینانه سازماندهی شود.

بر این اساس، مشارکت نظری اصلی پژوهش حاضر در سه محور قابل جمع‌بندی است: نخست، توسعه مفهوم زیست‌بوم کارآفرینی از منطق رشد اقتصادی به منطق خلق ارزش عمومی شهری؛ دوم، بازتعریف نقش مدیریت شهری از یک نهاد خدمات‌رسان یا حمایت‌کننده بیرونی به یک معمار نهادی زیست‌بوم؛ و سوم، ارائه چارچوبی ترکیبی که سه حوزه نظری زیست‌بوم کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی و حکمرانی شهری را در قالب مدلی یکپارچه پیوند می‌دهد. در این چارچوب، مدیریت شهری دوره ششم به‌عنوان زمینه نهادی معاصر، ظرفیت آن را دارد که این گذار از مدیریت سنتی به حکمرانی زیست‌بومی را تسهیل کند.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی شهری را می‌توان چنین تعریف کرد: شبکه‌ای هماهنگ از بازیگران، منابع، قابلیت‌ها و سازوکارهای نهادی که با نقش‌آفرینی مدیریت شهری به‌عنوان تسهیلگر و معمار نهادی، ظرفیت شناسایی و حل مسائل پیچیده شهری و خلق ارزش عمومی را فراهم می‌کند. از منظر کاربردی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت شهری برای توسعه این زیست‌بوم باید از سیاست‌های متمرکز و مداخله‌های کوتاه‌مدت فاصله گرفته و به سمت سیاست‌های زیست‌بومی حرکت کند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود: نخست، نقش مدیریت شهری به‌عنوان هماهنگ‌کننده شبکه بازیگران اجتماعی تقویت شود؛ دوم، سازوکارهای نهادی پایدار برای ارتباط میان دانشگاه، جامعه مدنی، کسب‌وکارهای اجتماعی و بخش خصوصی ایجاد شود؛ سوم، حمایت از کارآفرینی اجتماعی علاوه بر منابع مالی، بر توسعه دانش، یادگیری، شبکه‌سازی و توانمندسازی تمرکز کند؛ و چهارم، نظام ارزیابی برنامه‌های شهری از شاخص‌های صرفاً اقتصادی فراتر رفته و معیارهایی مانند مشارکت اجتماعی، نوآوری اجتماعی، تاب‌آوری شهری و خلق ارزش عمومی را دربرگیرد.

این پژوهش با وجود توسعه یک چارچوب مفهومی، محدودیت‌هایی دارد. نخست، تحلیل حاضر بر مبنای منابع علمی انجام شده و نیازمند آزمون تجربی در بسترهای واقعی شهری است. دوم، تفاوت‌های نهادی، فرهنگی و اجتماعی شهرها می‌تواند بر نحوه شکل‌گیری زیست‌بوم اثرگذار باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از روش‌های میدانی، از جمله مصاحبه با مدیران شهری، کارآفرینان اجتماعی، فعالان مدنی و سایر ذی‌نفعان، اعتبار تجربی مدل پیشنهادی را بررسی کنند. همچنین مطالعات تطبیقی میان شهرهای مختلف می‌تواند به شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر موفقیت زیست‌بوم‌های کارآفرینی اجتماعی شهری کمک کند.

**یادداشت‌ها**

1. Peredo & McLean
2. Emerson et al.
3. Braun & Clarke
4. Braun & Clarke
5. Ansell & Gash
6. Autio & Thomas
7. Gawer

8. Spigel
9. Huggins
10 Bogers
11. Nambisan
12. Stam
13. Van de Ven & Stam
14. Holmqvist
15. Pugh
16. Mair
17. Martí
18. Peredo
19. McLean
20. Westlund
21. Adam
22. Neumeier
23. OECD
24. Roundy & Fayard
25. Granstrand & Holgersson
26. Freire-Gibb & Gregson

**کتابنامه**

آزادفر، زهرا و گیلکی‌نظامی، گلناز (۱۴۰۴). مدل بومی تسهیلگری زیست‌بوم کارآفرینی اجتماعی: ارائه چارچوبی مبتنی بر یادگیری مشارکتی و تجربه‌زیسته. *توسعه کارآفرینی*. ۱۸ (۳). ۱–۲۴.

**References**

Adner, R. (2021). *Winning the right game: How to disrupt, defend, and deliver in a changing world*. MIT Press.

Ansell, C., & Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of Public Administration Research and Theory*. 18 (4). 543–571. https://doi.org/10.1093/jopart/mum032

Ansell, C., & Torfing, J. (2021). *Public governance as co-creation: A strategy for revitalizing the public sector and rejuvenating democracy*. Cambridge University Press.

Autio, E., Kenney, M., Mustar, P., Siegel, D., & Wright, M. (2014). *Entrepreneurial innovation: The importance of context*. Research Policy. 43 (7). 1097–1108. https://doi.org/10.1016/j.respol.2014.01.015

Autio, E., & Thomas, L. D. (2020). *Value co-creation in ecosystems: Insights and research promise from three disciplinary perspectives*. In Handbook of digital innovation (pp. 107-132). Edward Elgar Publishing. https://doi.org/10.4337/9781788119986.00017

Azadfar, M., & Gilaki-Nezami, M. (2025). An indigenous model of social entrepreneurship ecosystem facilitation: A framework based on participatory

learning and lived experience. *Entrepreneurship Development*. 18 (3). 1–24.(In Persian)

Bogers, M., Sims, J., & West, J. (2019). *What is an ecosystem? Incorporating 25 years of ecosystem research.* https://doi.org/10.5465/AMBPP.2019.11080abstract

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*. 3 (2). 77–101. https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa

Braun, V., & Clarke, V. (2021). One size fits all? What counts as quality practice in (reflexive) thematic analysis? *Qualitative Research in Psychology*. 18 (3). 328–352. https://doi.org/10.1080/14780887.2020.1769238

Byrne, D. (2022). *A worked example of Braun and Clarke's approach to reflexive thematic analysis*. *Quality & quantity*. 56 (3). 1391-1412. https://doi.org/10.1007/s11135-021-01182-y

Colombo, M. G., Dagnino, G. B., Lehmann, E. E., & Salmador, M. (2019). *The governance of entrepreneurial ecosystems*. Small Business Economics. 52 (2). 419-428. https://doi.org/10.1007/s11187-017-9952-9

Cunningham, J. A., Menter, M., & O'Kane, C. (2018). *Value creation in entrepreneurial ecosystems: The role of universities. R&D Management*. 48 (1). 90–103. https://doi.org/10.1111/radm.12313

Dodgson, M., & Gann, D. (2011). *Innovation: A very short introduction*. Oxford University Press.

Emerson, K., Nabatchi, T., & Balogh, S. (2012). An integrative framework for collaborative governance. *Journal of Public Administration Research and Theory*. 22 (1). 1–29. https://doi.org/10.1093/jopart/mur011

Fredin, S., & Lidén, A. (2020). *Entrepreneurial ecosystems and regional innovation systems:* The role of actors and institutions. European Planning Studies. 28 (9). 1765–1784. https://doi.org/10.1080/09654313.2019.1642859

Freire-Gibb, L. C., & Gregson, G. (2019). *Innovation systems and entrepreneurial ecosystems: Implications for policy and practice in Latin America*. Local Economy. 34 (8). 787-806. https://doi.org/10.1177/0269094219896096

Gawer, A. (2021). *Digital platforms and ecosystems: Remarks on the dominant organizational forms of the digital age*. Innovation. 23 (1). 110–124. https://doi.org/10.1080/14479338.2020.1830773

Granstrand, O., & Holgersson, M. (2020). *Innovation ecosystems: A conceptual review and a new definition*. Technovation. 90–91. 102098.

https://doi.org/10.1016/j.technovation.2019.102098
Holmqvist, M. (2003). *A dynamic model of intra- and interorganizational learning*. Organization Studies. 24 (1). 95–123. https://doi.org/10.1177/0170840603024001684
Huggins, R., Johnston, A., & Thompson, P. (2012). *Network capital, social capital and knowledge flow:* How the nature of inter-organizational networks impacts innovation. Industry and Innovation. 19 (3). 203–232. https://doi.org/10.1080/13662716.2012.669615
Isenberg, D. (2011). *The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy*. Institute of International and European Affairs.
Jacobides, M. G., Cennamo, C., & Gawer, A. (2018). Towards a theory of ecosystems. *Strategic Management Journal*. 39 (8). 2255–2276. https://doi.org/10.1002/smj.2904
Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). Naturalistic Inquiry. Sage Publications.
Mair, J., & Martí, I. (2006). Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight. *Journal of World Business*. 41 (1). 36–44. https://doi.org/10.1016/j.jwb.2005.09.002
Nambisan, S., Wright, M., & Feldman, M. (2019). *The digital transformation of innovation and entrepreneurship: Progress, challenges and key themes*. Research policy. 48 (8). 103773. https://doi.org/10.1016/j.respol.2019.03.018
Neumeier, S. (2017). Social innovation in rural development: identifying the key factors of success. *The geographical Journal*. 183 (1). 34-46.
OECD. (2018). *Entrepreneurship at a glance 2018*. OECD Publishing.
Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., Boutron, I., Hoffmann, T. C., Mulrow, C. D., et al. (2021). *The PRISMA 2020 statement: An updated guideline for reporting systematic reviews*. BMJ. 372. n71. https://doi.org/10.1136/bmj.n71
Peredo, A. M., & McLean, M. (2006). Social entrepreneurship: A critical review of the concept. *Journal of World Business*. 41 (1). 56–65. https://doi.org/10.1016/j.jwb.2005.10.007
Pugh, R., Soetanto, D., Jack, S., & Hamilton, E. (2019). *Universities as agents in entrepreneurial ecosystems*. Studies in Higher Education. 44 (7). 1239–1253. https://doi.org/10.1080/03075079.2017.1372564
Roundy, P. T., & Fayard, D. (2021). Dynamic capabilities and entrepreneurial ecosystems. *Journal of Business Venturing Insights.* 15. e00240. https://doi.org/10.1016/j.jbvi.2020.e00240
Saebi, T., Foss, N. J., & Linder, S. (2019). Social entrepreneurship research: Past achievements and future promises. *Journal of Management.* 45 (1). 70–95. https://doi.org/10.1177/0149206318793196

Snyder, H. (2019). Literature review as a research methodology: An overview and guidelines. *Journal of business research*. 104. 333-339. https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.07.039

Sørensen, E., & Torfing, J. (2021). Accountable government through collaborative governance? *Administrative Sciences.* 11 (4). 127. https://doi.org/10.3390/admsci11040127

Spigel, B. (2017). *The relational organization of entrepreneurial ecosystems*. Entrepreneurship Theory and Practice. 41 (1). 49–72. https://doi.org/10.1111/etap.12167

Stam, E. (2015). *Entrepreneurial ecosystems and regional policy:* A sympathetic critique. European Planning Studies. 23 (9). 1759–1769. https://doi.org/10.1080/09654313.2015.1061484

Stam, E., & Van de Ven, A. (2021). *Entrepreneurial ecosystem elements*. Small business economics. 56 (2). 809-832. https://doi.org/10.1007/s11187-019-00270-6

Suri, H. (2011). Purposeful sampling in qualitative research synthesis. *Qualitative Research Journal*. 11 (2). 63–75. https://doi.org/10.3316/QRJ1102063

Thomas, J., & Harden, A. (2008). Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews. *BMC Medical Research Methodology*. 8. Article 45. https://doi.org/10.1186/1471-2288-8-45

Wurth, B., Stam, E., & Spigel, B. (2022). *Toward an entrepreneurial ecosystem research program*. Entrepreneurship Theory and Practice. 46 (3). 729–778. https://doi.org/10.1177/1042258721998948

**پیوست الف: نمونه فرآیند استخراج و ترکیب مضامین نظری از منابع**

| مفاهیم اولیه استخراج‌شده از منابع | مفهوم سازمان‌یافته | مضمون فرعی | مضمون فراگیر | نقش در مدل مفهومی |
|---|---|---|---|---|
| سیاست‌گذاری حمایتی دولت محلی، نقش شهرداری در توسعه کسب‌وکارهای اجتماعی | حمایت نهادی مدیریت شهری | سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری شهری | حکمرانی تسهیلگر شهری | ایجاد محیط نهادی مناسب برای شکل‌گیری زیست‌بوم |
| تغییر نقش شهرداری از ارائه‌دهنده مستقیم | تحول نقش مدیریت شهری | حکمرانی نوین شهری | حکمرانی تسهیلگر شهری | تغییر پارادایم مدیریت شهری |

| مفاهیم اولیه استخراج‌شده از منابع | مفهوم سازمان‌یافته | مضمون فرعی | مضمون فراگیر | نقش در مدل مفهومی |
|---|---|---|---|---|
| خدمات به تسهیلگر اجتماعی | | | | به سمت مشارکت‌گرایی |
| هماهنگی میان واحدهای مختلف شهری، کاهش موازی‌کاری سازمانی | انسجام درون‌سازمانی | هماهنگی نهادی | حکمرانی تسهیلگر شهری | افزایش ظرفیت اجرایی مدیریت شهری |
| ایجاد قوانین و مقررات تسهیل‌کننده برای فعالیت‌های اجتماعی | چارچوب‌های قانونی حمایتی | محیط نهادی توانمندساز | حکمرانی تسهیلگر شهری | کاهش موانع نهادی توسعه کارآفرینی اجتماعی |
| مشارکت دولت، شهرداری، دانشگاه، بخش خصوصی و جامعه مدنی | تنوع بازیگران زیست‌بوم | شبکه‌سازی بین‌بخشی | شبکه کنشگران و مشارکت بین‌بخشی | شکل‌دهی ساختار شبکه‌ای زیست‌بوم |
| تعامل مستمر میان بازیگران، تبادل دانش و منابع | ارتباطات شبکه‌ای | همکاری و هم‌افزایی | شبکه کنشگران و مشارکت بین‌بخشی | تقویت جریان دانش و منابع |
| وجود رهبران شبکه و نهادهای واسط | مدیریت روابط میان کنشگران | میانجی‌گری زیست‌بومی | شبکه کنشگران و مشارکت بین‌بخشی | تسهیل هماهنگی میان بازیگران مستقل |
| ایجاد پلتفرم‌ها و فضاهای تعامل میان فعالان اجتماعی | بسترهای ارتباطی شبکه | زیرساخت ارتباطی شبکه | شبکه کنشگران و مشارکت بین‌بخشی | افزایش تعاملات زیست‌بومی |
| آموزش کارآفرینی اجتماعی، توسعه مهارت‌های مدیریتی | توانمندسازی انسانی | توسعه سرمایه انسانی | توسعه قابلیت‌های زیست‌بوم | افزایش توان کنشگران زیست‌بوم |

| مفاهیم اولیه استخراج‌شده از منابع | مفهوم سازمان‌یافته | مضمون فرعی | مضمون فراگیر | نقش در مدل مفهومی |
|---|---|---|---|---|
| آموزش مهارت‌های کسب‌وکار، بازاریابی و مدل کسب‌وکار اجتماعی | قابلیت‌های کارآفرینانه | ارتقای مهارت‌های کسب‌وکاری | توسعه قابلیت‌های زیست‌بوم | بهبود عملکرد کسب‌وکارهای اجتماعی |
| دسترسی به دانش دانشگاهی و پژوهش‌های کاربردی | انتقال دانش | پیوند دانشگاه و جامعه | توسعه قابلیت‌های زیست‌بوم | تولید و انتشار دانش کاربردی |
| یادگیری جمعی میان بازیگران | ظرفیت یادگیری شبکه‌ای | یادگیری زیست‌بومی | توسعه قابلیت‌های زیست‌بوم | پویایی و سازگاری زیست‌بوم |
| اعتماد میان سازمان‌ها و افراد | روابط مبتنی بر اعتماد | اعتماد اجتماعی | سرمایه اجتماعی زیست‌بوم | تسهیل همکاری و مشارکت |
| هنجارهای مشترک، ارزش‌های اجتماعی و مسؤولیت‌پذیری | ارزش‌های مشترک | انسجام اجتماعی | سرمایه اجتماعی زیست‌بوم | ایجاد همگرایی میان بازیگران |
| مشارکت شهروندان در حل مسائل اجتماعی | مشارکت اجتماعی | کنشگری شهروندی | سرمایه اجتماعی زیست‌بوم | تقویت مشروعیت اجتماعی زیست‌بوم |
| شبکه‌های غیررسمی و روابط شخصی میان فعالان | پیوندهای اجتماعی | روابط شبکه‌ای اعتمادمحور | سرمایه اجتماعی زیست‌بوم | افزایش تاب‌آوری شبکه |
| دسترسی به منابع مالی، سرمایه‌گذاری اجتماعی و حمایت مالی | منابع مالی زیست‌بوم | زیرساخت مالی | زیرساخت‌های پشتیبان | امکان رشد و توسعه کسب‌وکارهای اجتماعی |

| مفاهیم اولیه استخراج‌شده از منابع | مفهوم سازمان‌یافته | مضمون فرعی | مضمون فراگیر | نقش در مدل مفهومی |
|---|---|---|---|---|
| فضاهای کاری، مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌ها | زیرساخت فیزیکی | محیط حمایتی فعالیت | زیرساخت‌های پشتیبان | فراهم‌سازی شرایط عملیاتی |
| خدمات مشاوره‌ای، منتورینگ و حمایت تخصصی | خدمات توسعه کسب‌وکار | پشتیبانی حرفه‌ای | زیرساخت‌های پشتیبان | کاهش ریسک فعالیت کارآفرینان اجتماعی |
| دسترسی به بازار و ارتباط با مشتریان اجتماعی | اتصال به بازار | حمایت تجاری | زیرساخت‌های پشتیبان | افزایش پایداری اقتصادی |
| شناسایی مسائل اجتماعی شهری | مسأله‌محوری اجتماعی | شناخت نیازهای جامعه | خلق ارزش عمومی | جهت‌دهی فعالیت‌های زیست‌بوم |
| ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای مسائل شهری | نوآوری اجتماعی | راهکارهای تحول‌آفرین | خلق ارزش عمومی | ایجاد تغییر اجتماعی |
| بهبود کیفیت زندگی شهروندان | رفاه اجتماعی | پیامدهای اجتماعی | خلق ارزش عمومی | تحقق هدف نهایی زیست‌بوم |
| افزایش مشارکت شهروندی و سرمایه اجتماعی شهر | توسعه اجتماعی شهری | پیامدهای اجتماعی – فرهنگی | خلق ارزش عمومی | تقویت توسعه پایدار شهری |
| کاهش مسائل اجتماعی از طریق کسب‌وکارهای اجتماعی | حل مسأله عمومی | اثربخشی اجتماعی | خلق ارزش عمومی | نشان‌دهنده خروجی عملکرد زیست‌بوم |
| پایداری اقتصادی و اجتماعی | توازن ارزش اقتصادی و اجتماعی | پایداری زیست‌بوم | خلق ارزش عمومی | تضمین استمرار اثرگذاری |

| مفاهیم اولیه استخراج‌شده از منابع | مفهوم سازمان‌یافته | مضمون فرعی | مضمون فراگیر | نقش در مدل مفهومی |
|---|---|---|---|---|
| کسب‌وکارهای اجتماعی | | | | |
| حکمرانی چندسطحی و تعامل دولت محلی با سطوح دیگر | هماهنگی چندسطحی | ساختار حکمرانی شبکه‌ای | حکمرانی تسهیلگر شهری | اتصال زیست‌بوم به نظام سیاست‌گذاری |
| شفافیت و پاسخ‌گویی میان بازیگران | حکمرانی پاسخ‌گو | کیفیت روابط نهادی | حکمرانی تسهیلگر شهری | افزایش اعتماد و مشروعیت |
| انعطاف‌پذیری در سیاست‌های شهری | سیاست‌گذاری سازگار | یادگیری سیاستی | حکمرانی تسهیلگر شهری | امکان انطباق با تغییرات محیطی |
| شکل‌گیری فرهنگ حمایت از کارآفرینی اجتماعی | فرهنگ کارآفرینی اجتماعی | زمینه فرهنگی زیست‌بوم | سرمایه اجتماعی زیست‌بوم | ایجاد بستر پذیرش اجتماعی |

منبع: تدوین پژوهشگر بر اساس استخراج، مقایسه و ترکیب مفاهیم و مضامین از منابع منتخب پژوهش

همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود، فرآیند تحلیل منابع مبتنی بر استخراج مفاهیم کلیدی، مقایسه میان مفاهیم مشابه، ادغام مقولات هم‌معنا و در نهایت شکل‌دهی مضامین اصلی چارچوب مفهومی بوده است.